

تقدیم به:

نازنین همراهم، شب‌نم

و بی‌نظیر دل‌بندانم، سیدامیرعلی و سیدارمیا

دوست عزیز!

پس از انتشار کتاب فارسی موضوعی دوازدهم، فرمول ۲۰ پیشرفته، با شنیده شدن زمزمه‌های برگزاری امتحانات نهایی در پایۀ یازدهم، به پیشنهاد ناشر محترم و برادر بزرگوارم، مهندس محمد جوکار جان، بر آن شدیم که در پایۀ یازدهم نیز کتابی بر همان سبک و سیاق بنویسیم.

اثری که پیش روی شماست، یکی از نخستین آثار آموزشی کشور است که با رویکرد «فارسی آموزی بر اساس موضوع» ارائه شده است تا دانش‌آموزان عزیز از سردرگمی برای مطالعه این درس‌رها شوند و بتوانند با شیوه‌ای درست و منطقی به نمرۀ دلخواه خود دست یابند.

این کتاب در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود، به ترتیب شامل پنج بخش است: ۱ دستور زبان فارسی (۴ نمره) ۲ آرایه‌های ادبی (۳ نمره) ۳ معنی و املاي واژه (۳ نمره) ۴ معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر (۱۰ نمره) ۵ پاسخ تشریحی کارگاه‌های متن‌پژوهی و آزمون‌های نهایی.

دلیل ما برای این نوع تقسیم‌بندی این بود که مباحثی چون «معنی واژه، املا، معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر» مربوط به حیطۀ دانشی و از مقولۀ حفظیات‌اند، لذا دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با تکیه بر محفوظات خود به پرسش‌های این مباحث پاسخ دهند؛ اما بخش «دستور زبان و آرایه‌های ادبی» کاربردی، شناختی و مبتنی بر یادگیری‌اند و اغلب دانش‌آموزان در این دو مبحث به ویژه دستور زبان با چالش مواجهند. از این رو تصمیم گرفتیم کتاب را با مبحث دستور آغاز کنیم و با بیان مفصل موضوعات دستوری و نکته‌های راهبردی همراه با مثال‌های متعدد، این بخش را با زبانی ساده و روان برای دانش‌آموزان عزیز تبیین نماییم، به گونه‌ای که بتوانند به راحتی با این بخش را کسب کنند. اما در بخش دوم چون ارائه درس به درس آرایه‌های ادبی آسان نبود، این مبحث را صرفاً براساس شاخص بودن آرایۀ موردنظر در درس‌ها و در نظر داشتن سؤالات ارائه‌شده در قلمرو ادبی درس‌ها و البته با چاشنی ذوق و سلیقۀ فردی تقسیم‌بندی کرده‌ایم.

در بخش معنی و املاي واژه، با ارائه دسته‌بندی دقیق از واژگان کتاب درسی و پرداختن به روابط معنایی واژگان و واژگان هم‌آوا در بخش املا، نیاز دانش‌آموزان را در این دو موضوع به خوبی مرتفع ساخته، امکان دست‌یابی به باارم این دو مبحث را برایشان ساده کرده‌ایم.

در بخش معنی و مفهوم و درک مطلب، علاوه بر آوردن معنا، مفهوم، تناسب و تقابل معنایی ابیات و عبارات متن اصلی درس‌ها، ابیات و عبارات کارگاه‌های متن‌پژوهی را نیز مدّ نظر قرار داده‌ایم. همچنین به منظور شناسایی نقش دستوری واژگان در ابیات و بازگردانی آن‌ها از شیوۀ بلاغی به عادی، «ترتیب ارکان دستوری» را در زیر هر بیت آورده‌ایم؛ کاری که کمتر کتابی به آن پرداخته یا اصلاً توجهی به این موضوع نداشته است! در بخش تاریخ ادبیات، نام آثار مذکور در کتاب درسی و پدید آورندگان آن‌ها را در قالب جدولی ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان برای شب امتحان، در یک نگاه بتوانند آن‌ها را به حافظه بسپارند و به راحتی باارم یک نمره‌ای این مبحث را کسب کنند.

در پایان نیز مبحث حفظ شعر را با آوردن چهار شعرخوانی کتاب درسی و طراحی سؤالات متنوع ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان عزیز با انواع تیپ سؤالات این بخش آشنا شوند و با تکیه بر محفوظات خود از پاسخ‌دهی به سؤالات این بخش درنمانند.

در بخش پنجم کتاب، علاوه بر پاسخ تشریحی سؤالات هر مبحث، پاسخ پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی آورده شده تا اگر پرسشی عیناً در امتحان نهایی آمد، دانش‌آموزان پاسخ آن را دیده باشند و بتوانند به راحتی از عهده پاسخ‌گویی برآیند. همچنین چهار آزمون نهایی و شبه‌نهایی سال‌های اخیر به همراه پاسخ در انتهای این بخش گنجانده شده تا دانش‌آموزان عزیز با نحوه طراحی سؤالات آشنا شوند و دانسته‌های خود را در هر قلمرو محک بزنند.

بر خود واجب می‌دانم از سرکار خانم سرور فلاحی‌نژاد، همکار سخت‌کوش و ریزبین، که با دقت نظر، دانش بالا و صداقت خود ما را در نگارش این اثر همراهی نمودند، سپاس‌گزاری کنم.

در پایان چشم می‌دارم به ادب‌دوستان و همکاران فرهیخته که با بیان دیدگاه‌های ارزشمند خود از طریق تماس با شماره ۰۲۱-۶۴۲۰ و صندوق پستی ۳۷۷-۱۳۱۴۵ راهنمایم باشند.

از آن سیم‌رخ را در قاف غربت آشیان دادند
که شد زین دامگه مشغول آب و دانه‌ای کمتر
سید محمد موسوی



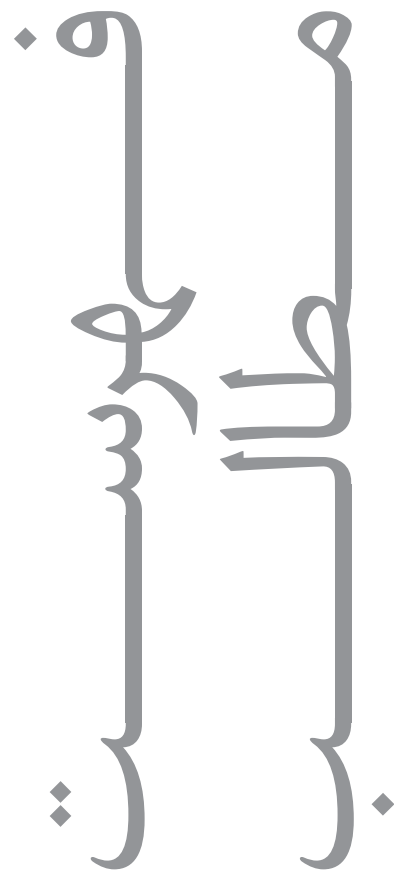
بخش دوم

آرایه‌های ادبی	۳ نمره
تشبیه	۷۴
مجاز	۷۶
استعاره	۷۸
حسن آمیزی	۸۱
مفاهیم مربوط به شعر و قالب‌های شعر فارسی	۸۲
سجع و جناس	۸۶
تلمیح و تضمین	۸۸
تضاد و متناقض‌نما / سهل ممتنع	۹۱
حسن تعلیل	۹۳
ایهام و ابهام تناسب	۹۴
واج‌آرایی و واژه‌آرایی / زمینه‌های حماسه	۹۷
اغراق	۹۹
کنایه	۱۰۰
تمثیل، ضرب‌المثل یا ارسال المثل	۱۰۲
نماد	۱۰۳
مراعات‌نظیر (تناسب)	۱۰۳
ایستگاه سؤال	۱۰۴



بخش اول

دستور زبان	۴ نمره
پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان	۱۰
فعل معلوم و مجهول / فعل داعی	۱۳
پیدا کردن نقش واژه در جمله	۱۴
گروه اسمی و وابسته‌های پیشین	۱۷
ضمایر متصل و نقش دستوری آن‌ها / جابه‌جایی ضمیر / شیوه بلاغی و عادی	۱۸
ضمیر و مرجع ضمیر	۲۱
نقش‌های تبعی	۲۲
واژگان دو تلفظی / شمارش تعداد جمله	۲۳
انواع «واو» / انواع «را» / انواع «تا» / انواع «هم»	۲۴
صفت بیانی و انواع آن	۲۷
کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان	۲۸
ترکیب وصفی و اضافی	۲۹
حذف و انواع آن	۳۰
وابسته‌های پسین	۳۲
تفاوت مسند با قید	۳۳
زمان فعل	۳۳
ایستگاه سؤال	۳۷





بخش پنجم

۳۷۶	پاسخنامه تشریحی کل کتاب
۴۳۱	پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی درس ۱ تا ۱۸
۴۶۰	۴ نمونه امتحان نهایی



بخش چهارم

معنی و مفهوم شعرونثـر	۸ نمره
ستایش	۲۱۳
درس اول	۲۱۵
درس دوم	۲۲۰
درس سوم	۲۲۷
درس پنجم	۲۳۳
درس ششم	۲۴۰
درس هفتم	۲۴۵
درس هشتم	۲۵۴
درس نهم	۲۵۹
درس دهم	۲۶۴
درس یازدهم	۲۶۹
درس دوازدهم	۲۷۴
درس چهاردهم	۲۸۴
درس پانزدهم	۲۹۱
درس شانزدهم	۲۹۷
درس هفدهم	۳۰۶
درس هجدهم	۳۰۹
ایستگاه سؤال	۳۱۵
تاریخ ادبیات	۱ نمره
فهرست آثار و پدیدآورانندگان	۳۵۹
ایستگاه سؤال	۳۶۱
حفظ شعر	۱ نمره
شعرخوانی ۱ تا ۴	۳۶۸
ایستگاه سؤال	۳۷۲



بخش سوم

معنی واژه	۱ نمره
درس اول	۱۳۱
درس دوم	۱۳۲
درس سوم	۱۳۴
درس پنجم	۱۳۵
درس ششم	۱۳۷
درس هفتم	۱۳۸
درس هشتم	۱۴۰
درس نهم	۱۴۱
درس دهم	۱۴۳
درس یازدهم	۱۴۴
درس دوازدهم	۱۴۵
درس چهاردهم	۱۴۷
درس پانزدهم	۱۴۸
درس شانزدهم	۱۵۰
درس هفدهم	۱۵۲
درس هجدهم	۱۵۳
ایستگاه سؤال	۱۵۴
املاي واژه	۲ نمره
درس ۱ و ۲	۱۷۸
درس ۳ و ۵	۱۸۰
درس ۶ و ۷	۱۸۲
درس ۸ و ۹	۱۸۴
درس ۱۰ و ۱۱	۱۸۷
درس ۱۲ و ۱۴	۱۸۸
درس ۱۵ و ۱۶	۱۸۹
درس ۱۷ و ۱۸	۱۹۲
ایستگاه سؤال	۱۹۴

درس ۱

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان
سؤالات: ص ۳۷

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز

مهم‌ترین پیوندهای وابسته‌ساز: که، تا، چون (وقتی که)، اگر، زیرا، همین‌که، اگرچه، با اینکه، مادام که، آر (اگر)، زان رو، چنان که و ...

مثال ۱ حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است.
جمله وابسته جمله هسته

مثال ۲ اگر لطفش قرین حال گردد
جمله وابسته جمله هسته

همه ادب‌ها اقبال گردد
جمله وابسته جمله هسته

- ۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) نمی‌سازند.
- ۲ در هر عبارتی، به تعداد پیوندهای وابسته‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) وجود دارد.
- ۳ گاهی حروف ربط در اشعار و متون ادبی حذف می‌شوند. برای تشخیص یا باید از معنای عبارت به آن‌ها پی ببریم یا به‌طور آزمایشی، حروف «و» یا «که / تا» را در جای مناسب قرار دهیم. هر کدام که معنای عبارت را کامل‌تر کند، نوع ارتباط دو جمله نیز مشخص می‌شود.

مثال ۱ بیا [تا] عاشقی را رعایت کنیم.
جمله هسته جمله وابسته

مثال ۲ گفتم [که] ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
جمله هسته جمله وابسته

گفتا [که] ز خوب‌رویان این کار کمتر آید
جمله هسته جمله وابسته

۴ مواظب باشید که حرف ربط وابسته‌ساز «که» را با ضمیر پرسشی «که» به معنی «چه کسی» اشتباه نگیرید.

مثال دلیران میدان گشوده نظر

که بر کینه اول که بندد کمر؟
حرف ربط وابسته‌ساز ضمیر پرسشی (چه کسی)

نگو که می‌دونستی!

جمله و انواع آن

جمله یک یا مجموع چند کلمه است که پیام کاملی را از گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده می‌رساند.

به جمله‌هایی که معنی و مفهوم مستقل و کاملی داشته باشند، جمله **مستقل** می‌گوییم. جمله مستقل به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱ مستقل ساده: یک فعل دارد.

مثال قطره باران ما گوهر یكدانه شد.
فعل

۲ مستقل مرکب: بیش از یک فعل دارد و شامل دو بخش است:

(الف) جمله هسته (پایه)

(ب) جمله وابسته (پیرو)

مثال ۱ آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد.
جمله هسته حرف ربط جمله وابسته
(پایه) (پیرو)

مثال ۲ گرت ز دست برآید، چون نخل باش کریم.
حرف ربط جمله وابسته (پیرو) جمله هسته (پایه)
وابسته‌ساز

حروف ربط (پیوندها): حروفی هستند که دو یا چند جمله را به یکدیگر پیوند می‌دهند و از نظر نوع و کاربرد به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز

این حروف بین دو جمله مستقل ساده می‌آیند که از نظر معنایی هیچ نوع وابستگی میان آن دو وجود ندارد.

مهم‌ترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز: و، اما، ولی، یا، لیکن، لکن، هم ...
هم، خواه ... خواه، چه ... چه

مثال ۱ مردی محبوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.

مثال ۲ هم حرکاتش متناسب به هم

هم خطواتش متقارب به هم

۲ پیوندهای وابسته‌ساز

این حروف در جمله‌های **غیر ساده** (مرکب) کاربرد دارند و همیشه در ابتدای جمله وابسته (پیرو) به کار می‌روند و موجب وابستگی معنایی بین جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) می‌شوند.

ایستگاه سؤال

در کدام گزینه، «جمله مرکب» وجود ندارد؟

(۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش

نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۲) به گوش ارغوان آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی

۳) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

۴) کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلقِ خدای

پاسخ سؤال

گزینه «۳»

کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی (است، شد، بود و گشت)

یادتان باشد فعل‌های کمکی (مُعین) را که در ساخت و صرف زمان‌های فعل به کار می‌روند، با فعل‌های اسنادی اشتباه نگیرید!

مثال ۱ گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم
ماضی بعید

مثال ۲ در ناسته احسان گشاده است
ماضی نقلی

مثال ۳ چشم من بر روی دریای بقا بگشوده شد
ماضی ساده مجهول

حواستان باشد فعل‌هایی مانند «بوده است» یا «گشته (گردیده) است» و «شده است» فعل اسنادی هستند؛ چون در این فعل‌ها، «بود»، «شد» و «گشت» فعل اصلی هستند نه کمکی و جزء دوم آن‌ها یعنی «است» فعل کمکی (مُعین) محسوب می‌شود.

نکته

فعل‌های «شد» و «شود»

مثال ۱ از شبنم عشق، خاک آدم گل شد
مسند فعل اسنادی

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم.
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «رفتن، گذشتن و سپری شدن» به کار روند، غیراسنادی اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ دل بردلدار رفت، جان برجانانه شد.
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گاه سفر شد باره بردامن برانیم
فرارسید (غیراسنادی)

تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان فعل‌ها را به دو دسته اسنادی و غیراسنادی طبقه‌بندی کرد.

فعل‌های اسنادی به فعل‌هایی گفته می‌شود که به تنهایی معنا ندارند بلکه به کمک آن‌ها صفت یا حالتی را به نهاد نسبت می‌دهیم. مهم‌ترین فعل‌های اسنادی عبارت‌اند از: است، بود، شد، گشت و گردید.

فعل‌های غیراسنادی فعل‌هایی هستند که به تنهایی معنا دارند و خبر از انجام کاری یا روی دادن اتفاقی می‌دهند؛ مانند: «پوشید، آمدند، دویدید، خوابیدم و ...»

• فعل‌های «است، بود، شد و گشت» اگر برای نسبت دادن صفت یا حالتی به نهاد به کار روند، فعل اسنادی‌اند و مسند می‌گیرند؛ اما اگر در معانی دیگری ظاهر شوند، غیراسنادی‌اند و مسند نمی‌گیرند.

فعل‌های «است» و «بود»

مثال ۱ بپوید کاین مهتر آهرمن است. (چه است؟ آهرمن)
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ نیست جانش محرم اسرار عشق. (چطور نیست؟ محرم)
مسند فعل اسنادی

مثال ۳ این کوزه چو من عاشق زاری بوده است. (چطور بوده است؟ عاشق)
مسند فعل اسنادی

مثال ۴ به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد. (چطور باشد؟ روان)
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «وجود داشتن / وجود نداشتن» یا «حضور داشتن / حضور نداشتن» به کار روند، غیراسنادی‌اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ مرا در نهانی یکی دشمن است
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ هر که را در جان، غم جانانه نیست
نهاد وجود ندارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گوهری بود در خزانه غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود.
نهاد وجود داشت (فعل غیراسنادی)

مثال ۴ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد.
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

ث) صفت نسبی:

۱. اسم + ی: ایرانی، تهرانی، آسمانی، ملکوتی، ادبی و ...
۲. اسم + ین: دیرین، چرمین، زرّین، سیمین، پشمین و ...
۳. اسم + ینه: دیرینه، چرمینه، زرّینه، سیمینه، پشمینه و ...
۴. اسم + انه: دوستانه، کودکانه، بچگانه و ...
۵. اسم + انی: روحانی، جسمانی، عقلانی و ...

نگو که می‌دونستی!

«موصوف» نقش دستوری به‌شمار نمی‌آید. موصوف‌ها می‌توانند در نقش‌های دستوری «نهاد، مفعول، متمم، مسند، منادا و قید» به کار روند.

مثال «... عشق با آزار خویشاندی دیرینه دارد»
موصوف صفت
(در نقش مفعول)

درس ۱۲

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان
سؤالات: ص ۶۰

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم

- مثال ۲ به سهراب بر، تیرباران گرفت
حرف اضافه متمم حرف اضافه
- چپ و راست، جنگ‌سواران گرفت
- مثال ۳ بگیر و به گیسوی او بر، بدوز
به نیک‌اختر و فال‌گیتی‌فروز
- مثال ۴ نهاده به طاق اندرون تخت زر
- نشانده به هرپایه‌ای در گهر

در متون گذشته، گاهی «یک متمم» با «دو حرف اضافه» به‌کار می‌رفت. این مورد یکی از ویژگی‌های زبانی سبک‌های کهن فارسی به‌ویژه سبک خراسانی بوده است.

مثال ۱ به شهر اندرون هر که بُرنا بدند
حرف اضافه متمم حرف اضافه

چه پیران که در جنگ دانا بدند

انواع «اگر»

حرف ربط هم‌پایه‌ساز

این نوع «اگر» به معنی «یا» به کار می‌رود و دو جمله را هم‌پایه و برابر می‌سازد.

مثال ۱ تو شاهی و گر ازدهاپیکری؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»

باید زدن داستان، آوری

مثال ۲ چه باید مرا جنگ زابلستان؟

و گر جنگ ایران و کابلستان؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»

حرف ربط وابسته‌ساز

این نوع «اگر» همراه با جمله‌های وابسته به کار می‌رود.

مثال ۱ اگر هفت کشور به شاهی تو راست
حرف ربط وابسته‌ساز جمله وابسته

چرا رنج و سختی همه بهر ماست
جمله هسته

مثال ۲ خرد را گر نبخشد روشنایی
حرف ربط وابسته‌ساز جمله هسته

بماند تا ابد در تیره‌رایی
جمله هسته

وضعیت واژه در گذر زمان

واژگان حذف شود؛

مثال «فتراک، برگستوان، سوفار، هزاره، دستار، گشن، گرز، شرزه، هیون و ...»

واژه‌ها و معنای آن‌ها همیشگی و ماندگار نیستند. ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

۱ به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست

۲ با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شود؛

معنای قدیم: انبوه، متراکم، غلیظ

مثال ۱ کثیف

معنای جدید: چرک آلود، ناپاک

معنای قدیم: نویسنده

مثال ۲ دبیر

معنای جدید: معلم دبیرستان (متوسطه)

معنای قدیم: گوگرد

مثال ۳ سوگند

معنای جدید: قسم

معنای قدیم: چرک و آلودگی

مثال ۴ شوخ

معنای جدید: طناز و بذله‌گو

معنای قدیم: وزیر، اجازه

مثال ۵ دستور

معنای جدید: امر و فرمان، قواعد زبان فارسی

معنای قدیم: تفرّج، گردش کردن

مثال ۶ تماشا

معنای جدید: نظر کردن به چیزی

معنای قدیم: زن احمق و خودآرا

مثال ۷ رعنا

معنای جدید: خوش اندام، زیبا

معنای قدیم: کارهای مهم و خطرناک

مثال ۸ مهمات

معنای جدید: گلوله و سلاح جنگی

۳ با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد؛

مثال «شادی، خنده، گریه، دست، پا و...»

۴ هم معنای قدیم خود را حفظ کند و هم معنای جدید گیرد؛

۱. وسیله‌ای برای دفاع در جنگ

مثال ۱ سپر

۲. ضربه‌گیر جلو و عقب خودرو

۱. توده‌های عظیم یخ طبیعی

مثال ۲ یخچال

۲. وسیله‌ای جهت سرد نگاهداشتن اغذیه

۱. آنچه از چرم و چوب سازند و بر پشت اسب نهند.

مثال ۳ زین

۲. آنچه از چرم و پلاستیک سازند و بر روی دوچرخه

و موتور نهند.

۱. حلقه‌مانندی از فلز که در دو طرف زین اسب

آویزان است.

مثال ۴ رکاب

۲. قسمتی از وسایل سواری که به هنگام سوار و

پیاده شدن پا بر آن گذارند.

ترکیب وصفی و اضافی

سوالات: ص ۶۳

درس ۱۴

۲

ترکیب اضافی

۱ اسم + — + اسم: آتش عشق / دیده‌ی عقل / شب کویر

۲ اسم + — + ضمیر / اسم + ضمیر: آتش خود / مشت تو / خشم

آن / قلبم

۳ اسم + — + صفت جانشین اسم: قلم نویسنده / لباس دانشجو

روش‌های تشخیص ترکیب وصفی و اضافی

۱ بین «موصوف و صفت» می‌توان «ی» نکره آورد، اما بین «مضاف و مضاف الیه» نمی‌توان!

مثال ۱ قلب فسرده ← قلبی فسرده (ترکیب وصفی)

مثال ۲ قلب زمین ← قلبی زمین (ترکیب اضافی)

۲ در ترکیب وصفی، اگر کسرۀ بین «موصوف و صفت» را بردارید و به آن فعل «است» اضافه کنید، جمله «سه جزئی با مسند» ساخته می‌شود.

۱

ترکیب وصفی

۱ صفت پیشین + اسم: هرگاه یکی از صفت‌های پیشین با اسم همراه

شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال این مردم / هرشب / هزاران خاطره / نخستین بار / کدام عشق؟ /

ص. اشاره ص. مبهم ص. شمارشی اصلی ص. شمارشی ص. پرسشی
ترتیبی (۱)

کهن‌ترین افسانه‌ها / عجب شعری!

ص. عالی ص. تعجبی

۲ اسم + — + صفت پسین: هرگاه یکی از صفت‌های پسین با اسم همراه شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال رخش‌رخشنده / بال شکسته / مردم دیوماند / نی لبک چوبین /

ص فاعلی ص مفعولی ص بیانی ساده ص نسبی

هنر هفتم / سفر روحانی / راه دیگر

ص شمارشی ص نسبی ص مبهم
ترتیبی (۲)

ایستگاه سؤال

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد
معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان

درس ۱

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

آن آستین خالی‌اش که با باد این سوی و آن سوی می‌شود، نشانهٔ مردانگی است و اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته، وفادار است.
وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می‌گویند یا خداست یا شیطان.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم فنی

بر مصطفی بهر رخصت دوید / ازو خواست دس‌توری امّا ندید
هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «وابسته‌ساز» را مشخص کنید.

اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ارها اقبال گردد
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
مجنون چو حدیث عشق بشنید / اوّل بگریست، پس بخندید

او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند ...

هنگامی که در فروتنی، بزرگ باشیم، / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»، از شیوهٔ قرار گرفتن واژه در جمله، می‌توان به معنای واژهٔ «چنگ» پی برد.

خرداد ۱۴۰۳

درست / نادرست

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

با توجه به ابیات زیر، درستی یا نادرستی گزینه‌های داده شده را مشخص کنید.

«چو صبرش نماند از ضعفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش؛
برو شیر درّنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل»

درست / نادرست

درست / نادرست

الف) «چو» در بیت اوّل «حرف اضافه» و در بیت دوم «حرف ربط» است.

ب) در بیت دوم، نقش دستوری «درّنده» با نقش دستوری «شل» یکسان است.

۲۹

در کدام بیت، رابطه معنایی داخل کمانک بین واژه‌های بیت دیده نمی‌شود؟

- (۱) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش (تضمّن)
(۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (تضاد)

۳۰

در کدام گزینه، پیوند «هم‌پایه‌ساز» و «وابسته‌ساز» هر دو مشهود است؟

- (۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
(۲) دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

۳۱

در عبارت «به شامگاه چنان بنگر که گویی روز بایستی در آن فرو میرد.» جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

۳۲

با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

- «زنی بود برسان گردی سوار همیشه به جنگ اندرون نامدار
کجا نام او بود گردآفرید زمانه ز مادر چنیّن ناوریّد»

الف) نقش واژه مشخص شده با کدام واژه در مصراع دوم بیت اول یکسان است؟

ب) در بیت دوم، کلمه حرف پیوند وابسته‌ساز است.

۳۳

در عبارت زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

شهریور ۱۴۰۲ - دهم

«چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.»

۳۴

با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بزن زخم این مرهم عاشق است که بی‌زخم مردن غم عاشق است»

الف) در مصراع اول، مسند را پیدا کنید.

ب) در مصراع دوم، نوع حرف ربط (هم‌پایه ساز، وابسته‌ساز) را مشخص کنید.

۳۵

در سروده «برایم قابل درک است اگر چشم‌ت به راهم نیست / برای اهل دریا شوق بارانی نمی‌ماند»:

خرداد ۱۴۰۲ - دهم خارج

الف) جمله مرکب در کدام مصراع دیده می‌شود؟

ب) جمله هسته را مشخص کنید.

۳۶

کارکرد معنایی فعل «شد» را در ابیات زیر بررسی کنید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

الف) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

ب) ز بس گرد از آن رزمگه بردمید

معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

۳۷

الف) گریه شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت

ب) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

در عبارت «سیر را غم گرسنه نیست» از چه رابطه‌ای برای بیان معنا استفاده شده است؟

خرداد ۹۰

در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند.»

۴۰

در واژه‌های زیر از چه رابطه معنایی استفاده شده است؟

دی ۹۲

الف) فراز و نشیب ب) آرام و آهسته

۴۱

در عبارت زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بگذار تا بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان.»

۴۲

تفاوت معنایی فعل «شد» را در گزینه‌های زیر بررسی کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

الف) روز سیوم به مجلس وزیر شدیم.

ب) آن مرد خجل شد و عذرخواست.

۴۳

در موارد زیر، با استفاده از چه شیوه‌هایی می‌توان به معنای دقیق هر یک از واژه‌های مشخص شده، پی برد؟

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

گزینه درست را انتخاب کنید.



۳۶۵

با توجه به انواع «صفت بیانی»، کدام واژه در هر گروه با بقیه متفاوت است؟

- | | | | |
|----------------|------------|---------------|-------------|
| الف) ۱) سحرزاد | ۲) زخم‌دار | ۳) جهان‌آفرین | ۴) نیلی‌پوش |
| ب) ۱) ایرانی | ۲) کبریایی | ۳) نورانی | ۴) شکاری |

خرداد ۱۴۰۳

۳۶۶

نوع «صفت بیانی» در کدام مصراع متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱) برو شیر دژنده باش، ای دغل | ۲) برافراخت پس دست خیبرگشا |
| ۳) همی‌رفت پیش اندرون مرد‌گرد | ۴) که ای نامداران یزدان‌پرست |

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۶۷

در کدام گزینه، «صفت نسبی» مشهود است؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) به عصیان سَراپای آلوده‌ام | سَراپا ز آلودگی پاک کن |
| ۲) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد | عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد |

۳۶۸

در عبارت زیر، کدام واژه «صفت پسین» به شمار نمی‌آید؟

«هر کسی مشغول کاری بود؛ از کارهای گروهی گرفته تا فردی، بعضی بچه‌های خوش‌ذوق، عروسک‌هایی درست کرده بودند که با آنها خیمه‌شب‌بازی راه می‌انداختند.»

- | | | | |
|---------|----------|------------|---------|
| ۱) بعضی | ۲) گروهی | ۳) خوش‌ذوق | ۴) فردی |
|---------|----------|------------|---------|



درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید.

۳۶۹

واژه «جنگ‌جو» در مصراع «به پیشش برآمد شه جنگ‌جو» صفت فاعلی است.

۳۷۰

واژه «پرایینه» در مصراع «آن‌که در دستش کلید شهر پرایینه دارد» صفت نسبی است.

۳۷۱

واژه «عاشق» در مصراع «... ز یاران عاشق حکایت کنیم» صفت فاعلی است.



در هر یک از بیت‌های زیر، نوع «صفت بیانی» را از کمانک روبه‌روی آن بنویسید.

۳۷۲

در ناپسته احسان گشاده‌ست

۳۷۳

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

۳۷۴

به نام خدای جهان‌آفرین

۳۷۵

آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد

۳۷۶

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

۳۷۷

نیست جان‌ش محرم اسرار عشق

۳۷۸

گر من نظری به سنگ بر، بگمارم

۳۷۹

در این بود درویش شوریده‌رنگ

۳۸۰

دانست کوه دل، اسیر دارد

- | | |
|---------------------------------------|------------------|
| به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست | (مطلق / مفعولی) |
| آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد | (مفعولی / نسبی) |
| بینداخت شمشیر را شاه دین | (فاعلی / مطلق) |
| آنجا که هر کویش غمی بنهفته دارد | (مطلق / مفعولی) |
| بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی | (نسبی / لیاقت) |
| هر که را در جان، غم جانانه نیست | (فاعلی / نسبی) |
| از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم | (مفعولی / فاعلی) |
| که شیری برآمد، شغالی به چنگ | (مطلق / مفعولی) |
| دردی نهنه دواپذیر دارد | (مطلق / فاعلی) |

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان

درس ۱۲



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۳۸۱

در بیت زیر، کدام ویژگی دستوری زبان کهن به کار رفته است؟

«به شهر اندرون هر که بُرنا بدند چه پیران که در جنگ دانا بدند»

۳۸۲

برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

خرداد ۱۴۰۴

الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای بیوششند هنگام زخم‌درای

ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم درنهاد.

۳۸۳

برای هر کدام از واژگان مشخص شده در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

الف) پیامد به درگاه سالار نو بدیدندش آن‌جا و برخاست غو

ب) و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین به مستحقان دهند.

۳۸۴

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که هم معنای قدیم خود را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته باشد.

«سپر بر سر آورد شیر اله علم کرد شمشیر آن اژدها»

۳۸۵

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است.

«یکی محضر اکنون ببايد نوشت که جز تخم نیکي، سپهد نکشت»

۳۸۶

در هر یک از عبارت‌های زیر، واژه‌ای بیابید که به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شده باشد.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هراز و غریو خاست.

ب) فریدون دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد».

در هر یک از موارد زیر، واژه‌های مشخص شده در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده‌اند؟



۳۸۷

بر مصطفی بهر رخصت دويد

۳۸۸

بپوييد کايـن مهتر آهرمن است

۳۸۹

خروشيد کاي پايـمردان ديـو

۳۹۰

از آن چرم کاهنگران پشت پای

۳۹۱

بدو گفت مهتر به روی دژم

۳۹۲

سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌های حیوانی به او می‌خوراند.

۳۹۳

ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

۳۹۴

زَنخـدان فرو برد چندی به جیب

۳۹۵

فرزند عزیز را به صد جهد

۳۹۶

من عاشقم نه رعا کز دوست کام خواهم

۳۹۷

در این موسم، تماشا ناگزیر است

۳۹۸

کف اندر دهانشان شده خون و خاک

۳۹۹

نیست جانـش محرم اسرار عشق

۴۰۰

خورده است خدا ز روی تعظیم

۴۰۱

چو سوفارش آمد به پهنای گوش

۴۰۲

کـمندی به فـتراک زین بر بیست

۴۰۳

هشـیوار و با جامه‌های سپید

۴۰۴

یکی تیر الماس پیکان چو آب

۴۰۵

بدو داد کاو را سزا بود تاج

۴۰۶

بدان جامه شوخ در پیش تخت

۴۰۷

بلندپایگی آسمان ز پستی توسـت

گزینه درست را انتخاب کنید.



۴۰۸

وضعیت کدام واژه مشخص شده در گذر زمان، همانند کلمه «محضر» در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟

خرداد ۱۴۰۳

۱) پای راست افکار شد.

۲) اختلاف صیادان آنجا متواتر.

۳) پا در رکاب راهوار خویش دارند.

از میان گزینه‌های زیر کدام گزینه با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است؟

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

۱) سوفار

۲) شوخ

۳) رکاب

۴) یخچال

وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟

۴۱۰

۱) شوخ و سوگند

۲) سوفار و کثیف

۳) فتراک و رکاب

۴) خنده و سپر

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴



آرایه‌های ادبی

قلمرو ادبی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳

بخش دوم

۳ نمره

درس ۱

تشبیه
سؤالات: ص ۱۰۴

۳ واژه‌های: «گفتی، گویی، گویا، گوییا، پنداری، انگار» (وقتی که در معنای «شبهات» به کار می‌روند).

۴ فعل‌های: «ماند، مانستی، می‌ماند» (از مصدر «مانستن» به معنی «شبهه بودن»)

۱ «چون» و «چو» در صورتی «ادات تشبیه» محسوب می‌شوند که به عنوان «حرف اضافه» و در معنای «مثل و مانند» به کار روند؛ در غیر این صورت «ادات تشبیه» نخواهند بود. **به بیان دیگر** اگر در معنای «وقتی که، زمانی که، اگر، زیرا که» به کار روند، **حرف ربط وابسته ساز** و اگر در معنای «چگونه، چطور، چرا» باشند، **قید پرسش یا کیفیت** هستند:

مثال ۱ «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش
چون کعبه نهاده حلقه در گوش»
مثل و مانند (ادات تشبیه)

مثال ۲ «زور داری، **چون** نداری علم کار
اگر (حرف ربط)

لاف آن نتوان به آسانی زدن»

مثال ۳ «که **چون** زندگانی به سر می‌برد؟
چگونه (قید پرسش)

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»

مثال ۴ «**چون** موسم حج رسید، برخاست
وقتی که (حرف ربط)

أشتر طلبید و مَحْمَل آراست»

۲ به «مشبه» و «مشبه‌به»، **طرفین تشبیه** می‌گویند. در یک تشبیه، حضور طرفین تشبیه الزامی است؛ اما گاهی «مشبه» به قرینه لفظی حذف می‌شود که در این صورت، شناسه فعل «مشبه» است:

مثال «پیشانی حال چون زلف بتانم
مشبه (= من)

چو چشم مست خوبان ناتوانم
مشبه (= من)

۳ در فعل‌هایی که شناسه حضور ندارد (Ø تهی است)، شناسه پنهان یا ضمیری را که به آن فعل برمی‌گردد، «مشبه محذوف» در نظر می‌گیریم؛ مانند برخی از فعل‌های سوم شخص مفرد ماضی و فعل‌های امر و نهی (صيغه مفرد و جمع).

مثال «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش

چون کعبه نهاده حلقه در گوش»
مشبه (= او / پدر مجنون)

نگو که می‌دونستی!

به ادعای همانندی میان دو یا چند چیز به سبب ویژگی مشترک **تشبیه** گفته می‌شود.

مثال ۱ «صدا چون بوی گل در جنبش آب
به آرامی به هرسو پخش می‌گشت»

● شاعر در این بیت، در یک تصویر خیالی، «صدا» را به «بوی گل» همانند کرده و با بیان ویژگی مشترک آن‌ها یعنی «به آرامی پخش شدن به هر سو»، این شبهات را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر جلوه داده است.

مثال ۲ «رها شد ز بند زره موی اوی
درفشان چو خورشید شد، روی اوی»
● فردوسی در این بیت، با همانند کردن «روی» گردآفرید به «خورشید»، به توصیف خیالی و اغراق‌آمیز «درفشانی» و زیبایی چهره او پرداخته است.

مثال ۳ «صبح بود و پرتو آفتاب مانند طلاروی امواج دریا می‌درخشید.»
● نویسنده در این عبارت، «پرتو آفتاب» را در «درخشندگی» به «طلا» تشبیه کرده است.

ارکان تشبیه

۱ **مشبه:** چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. مانند «پرتو آفتاب» در مثال ۳

۲ **مشبه‌به:** چیزی یا کسی که مشبه را به آن، مانند می‌کنیم. مانند «طلا» در مثال ۳

● **مشبه‌به معمولاً بعد از ادات تشبیه می‌آید.**

۳ **وجه شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مانند «درخشیدن» در مثال ۳

● **وجه شبه غالباً در «مشبه‌به» پررنگ‌تر و آشکارتر است.**

۴ **ادات تشبیه:** واژه‌ای که نشان‌دهنده پیوند شبهات میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مثل «مانند» در مثال ۳

انواع ادات تشبیه

۱ **واژه‌های:** «چون، همچون، چو، همچو، چونان، مثل، مانند، همانند، نظیر، عین، صورت، به سان، به کردار، به گونه، بر سان، به شکل، به منزله، به شیوه، به شکل، در حکم»

۲ **پسوندهای شبهات از قبیل:** «وار (بختک‌وار)، آسا (عقاب‌آسا)، سا (مهسا)، دیس (گلدیس)، وش (مهوش)، گون (سیماب‌گون)، گونه (علی‌گونه)، فام (فیروزه فام)»

حسن تعلیل
سؤالات: ص ۱۱۹

درس ۱۰

● در این بیت، شاعر علت ایجاد سایه خورشید بر زمین را پایین آمدن خورشید برای بوسه زدن به گرد راه معشوق می‌داند.

۴ «از ز» به معنی «به دلیل، چون» :

مثال «چو سرو از راستی برزد علم را

ندید اندر جهان تاراج غم را»

● در این بیت، شاعر دلیل سرسبزی همیشگی سرو را «راستی و درستکاری» او می‌داند.

۵ «زیرا، زیرا که» :

مثال «نرگس همی رکوع کند در میان باغ

زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی»

● در این بیت، شاعر دلیل خمیده شدن (رکوع) گل نرگس در باغ را «اذان گفتن فاخته (کوکو) بروی شاخه‌های درخت سرو» دانسته است.

۶ «چون، چو» به معنی «به این دلیل که» :

مثال «چو صبح صادق آمد راست گفتار

جهان در زرگرفتی محتشم‌وار»

● در این بیت، شاعر علت طلوع خورشید پس از صبح صادق را «راست گفتاری صبح صادق» می‌داند.

۲

حسن تعلیل «بی‌نشانه»

گاهی دلیل ادبی در بیت‌ها و عبارت‌ها، بدون نشانه می‌آید. در این صورت یا باید از طریق «معنی و مفهوم بیت یا عبارت» به این دلیل ادبی (شاعرانه) پی برد، یا با افزودن واژه «چرا» به ابتدای مصراع اول و «زیرا» به ابتدای مصراع دوم به «حسن تعلیل» دست یافت. (البته در صورت غیرواقعی و بی‌ربط بودن سؤال و جواب)

مثال ۱ «چرا» «باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر!

[زیرا] پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد»

● شاعر دلیل چکیدن باران از ابر را «شرم از چهره زیبای محبوب» می‌داند.

مثال ۲ «زیرا» «بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید

[چرا] گیرد اول در اذان گفتن، مؤذن گوش را»

● [چرا] مؤذن هنگام اذان گفتن گوش خود را می‌گیرد؟ [زیرا] کسی در دهر (روزگار) حرف حق را نمی‌تواند بشنود.

نکته ۱ پس از افزودن «چرا» و «زیرا» در صورت ضرورت، جمله‌ها را ویرایش کنید.

حسن تعلیل در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است و در اصطلاح ادبی، آوردن دلیلی هنری و شاعرانه اما غیرواقعی (بی‌ربط) برای موضوعی خیالی یا واقعی است، به گونه‌ای که بتواند ذهن مخاطب را اقناع کند و خیال انگیز باشد.

مثال ۱ «تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند

بی‌ا که صاف شود این هوای بارانی»

● در این بیت، شاعر دلیل بارش باران را «بهانه‌گیری و گریستن ابرها در فراق امام‌زمان (عج)» می‌داند؛ در حالی که بارش ابرها، دلیل علمی و منطقی دارد.

مثال ۲ «بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد

حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی»

● در این بیت، شاعر برای آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن، سرافکنندگی درخت بید به سبب بی‌ثمری است.

ساختار حسن تعلیل

حسن تعلیل معمولاً به دو شکل در بیت یا عبارت ظاهر می‌شود.

۱

حسن تعلیل «با نشانه»

گاهی شاعر دلیل ادبی و شاعرانه خود را با «حروف ربط یا حروف اضافه» همراه می‌کند. از جمله:

۱ «که» به معنی «زیرا که» :

مثال «عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

که چندین گل اندام در خاک خفت»

● در این بیت، شاعر دلیل رویش گل‌های زیبا و رنگارنگ را «وجود پیکر زیبارویانی» می‌داند که در دل خاک خفته‌اند.

۲ «از آن، زان» به معنی «به خاطر آنکه، به آن دلیل که» :

مثال «گل از شوق تو خندان در بهار است

از آنش رنگ‌های بی‌شمار است»

● در این بیت، شاعر دلیل رنگ‌های بی‌شمار و متنوع گل را «اشتیاق گل به معشوق در بهار» می‌داند.

۳ «تا» به معنی «برای اینکه، چون که» :

مثال «افتاده حتی سایه خورشید بر خاک

تا دزه‌ای از گرد راهت را ببوسد»

ایستگاه سوال

درس ۱ ← تشبیه

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.



۵۲۸

در بیت زیر، «مشبّه» کدام واژه است؟

«چو لشکر گرد بر گردش گرفتند

۵۲۹

در بیت زیر، «مشبّه به» کدام واژه است؟

«چو آتش در سپاه دشمن افتاد

۵۳۰

در عبارت زیر، «مشبّه به» را مشخص کنید.

«چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟»

۵۳۱

در جمله «دشمن با بار خفتی بر دوش، وامانده رفتن و ماندن شده بود»، «مشبّه به» کدام کلمه است؟

۵۳۲

در بیت زیر، «طرفین تشبیه» (مشبّه و مشبّه به) را به ترتیب مشخص کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد

۵۳۳

آرایه مشترک، در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.

الف) از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد

۵۳۴

ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند

در تشبیه به‌کار رفته در عبارت زیر، «مشبّه» و «مشبّه به» را مشخص کنید.

«چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست، اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.»

۵۳۵

آرایه گروه اسمی مشخص شده را در بیت زیر بنویسید.

«به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند

۵۳۶

ترکیب «جوشن عشق» در بیت زیر، نمایانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟

«چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید

۵۳۷

در بیت زیر، چند «تشبیه» به‌کار رفته است؟

«چنین قفس نه‌سزای چومن خوش‌الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم»

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۳ - یازدهم فنی

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

۷۳۹

در کدام گزینه، شاعر از «تضاد» بیشتری بهره برده است؟

- (۱) چنان بُد که ضحاک را روز و شب
(۲) به شهر اندرون هر که بُرنا بُدند
(۳) نهان گشت کردار فرزنانگان
(۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
- به نام فریدون گشادی دو لب
چه پیران که در جنگ دانا بُدند
پراگنده شد کام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزند

۷۴۰

کدام بیت، به آرایه‌های «متناقض‌نما و تشبیه» زینت یافته است؟

- (۱) طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
(۲) دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟
(۳) کسی که نقطه آغاز هر چه پرواز است
(۴) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق
- ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
تویی که در سفر عشق، خط پایانی
بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

درس ۱۰

حُسن تعلیل

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

در بیت «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگیات فرات در جوش و خروش» کاربرد علت شاعرانه در بیت، موجب ایجاد چه آرایه ادبی شده است؟

۷۴۱

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

در بیت زیر، کدام دلیل شاعرانه باعث «حُسن تعلیل» شده است؟

۷۴۲

«بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد
با توجه به سروده:

۷۴۳

«دویدند از کین دل سوی هم
فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ

الف) در بیت اول، یک «اضافه استعاری» بیابید.

ب) در بیت دوم، علاوه بر آرایه‌های «اغراق، واج‌آرایی و جناس» آرایه‌های و نیز دیده می‌شود.

۷۴۴

با توجه به سروده:

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند / تا نگه به فرازا دوزیم / تا از این ره، لذت اندوزیم.»

الف) در مصراع دوم، یک «مجاز» بیابید و مفهوم مجازی آن را بنویسید.

ب) مفهوم کنایی مصراع سوم را بنویسید.

پ) در دو مصراع اول، شاعر برای آفرینش کدام آرایه ادبی دلیلی شاعرانه آورده است؟

←

در هر یک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

۷۴۵

صدای رئیس گروه، خشک و جدی بود.

(حس آمیزی / کنایه)

۷۴۶

باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر

(کنایه / حسن تعلیل)

۷۴۷

شیر حَقَم، نیستم شیر هوا

(مجاز / تشبیه)

۷۴۸

منم پُور ایران و نام‌آورم

(تشخیص / حسن تعلیل)

←

گزینه درست را انتخاب کنید.

۷۴۹

در ابیات زیر، به ترتیب کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟

الف) بی‌تومی‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

ب) دلم را در غمت کردم ز هر ویرانه ویران‌تر

چو دیدم دوست می‌دارد دلت دل‌های ویران را

پ) حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود / من به آنان گفتم / آفتابی لب درگاه شماست

چو دیدم دوست می‌دارد دلت دل‌های ویران را

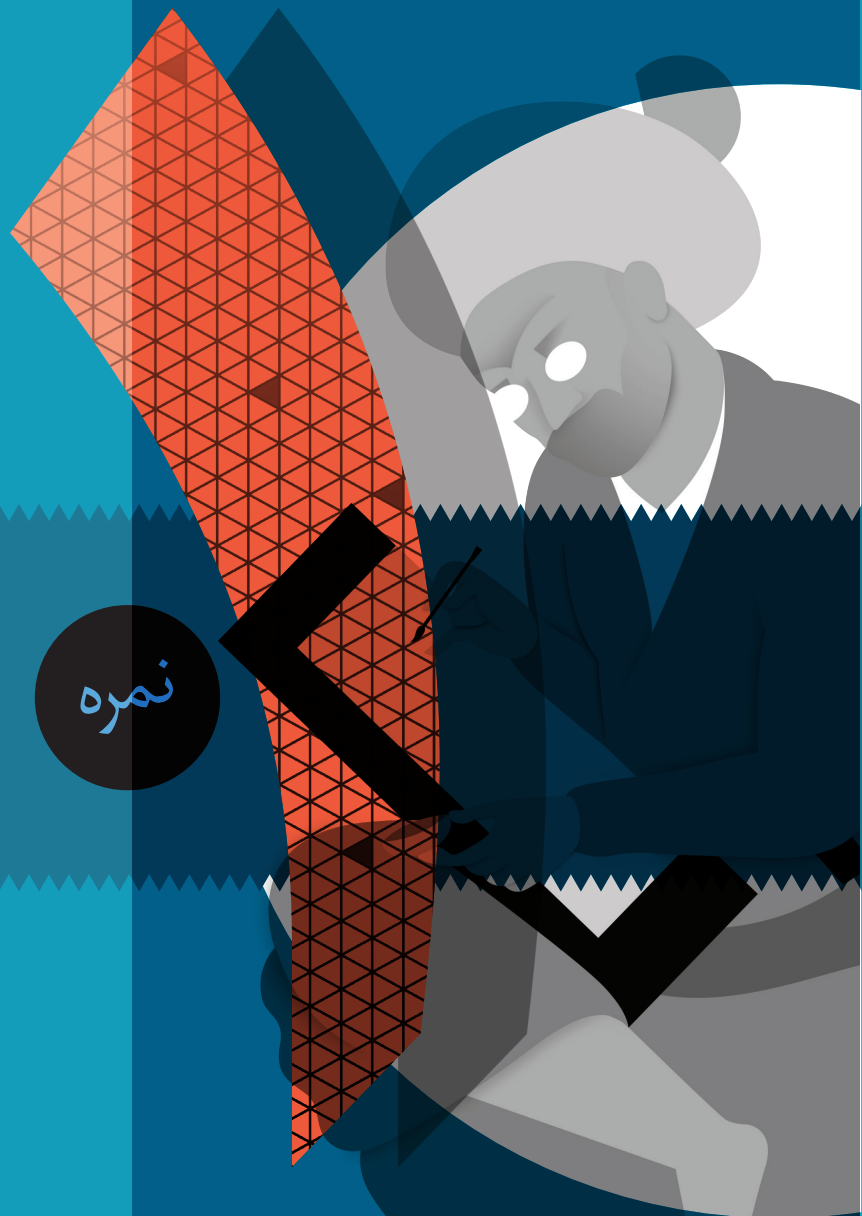
(۱) حسن تعلیل - تشخیص - حس آمیزی

(۲) مجاز - حسن تعلیل - حس آمیزی

معنی واژه قلمرو زبانی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۱ نمره

تنوع تیپ سؤال ۵ گونه

منابع مطالعه

واژه‌نامه کتاب درسی + فهرست
سایر واژگان

نوع حفظی

محتوا معنی واژگان دشوار کتاب
درسی

واژگان آورده شده است. با خواندن و حفظ کردن آن‌ها، بهتر می‌توانید معنای واژه را به خاطر بسپارید.

۴ بarm معنی واژه در امتحان نهایی یک نمره است و شما با حفظ کردن فهرست واژگان و سپس حل پرسش‌های درس به درس کتاب حاضر می‌توانید به راحتی این یک نمره را کسب کنید.

«واژه‌نامه کتاب درسی» با رنگ قرمز آورده شده است، با تکرار چندباره به حافظه بسپارید، سپس سایر واژگانی را که در واژه‌نامه نیامده‌اند و با رنگ آبی مشخص شده‌اند حفظ کنید؛ زیرا ممکن است مورد سؤال قرار بگیرند.

۳ به منظور تثبیت معنی واژگانی که مشابه آوایی یا نوشتاری دارند، توضیحاتی با رنگ طوسی کنار برخی

۱ معنی واژه پیش‌نیاز معنی و مفهوم شعر و نثر و درک مطلب است. تا معنی واژگان دشوار بیت یا عبارت را ندانید، مسلماً نمی‌توانید ابیات و عبارات را به نثر روان بازگردانید.

۲ معنی واژه مربوط به حیطه دانش و از مقوله حفظیات است؛ بنابراین سعی کنید ابتدا واژگان دشوار هر درس را که در این کتاب با عنوان

راهنمای
مطالعه

درس ۱

لطف خدا / نیکی / همت
سوالات: ص ۱۵۴

واژه نامه کتاب درسی

ادبار بدبختی، سیه روزی؛
متضاد اقبال

اقبال خوشبختی، سعادت

توفیق آن است که خداوند،
اسباب را موافق
خواهش بنده، مهیا
کند تا خواهش او به
نتیجه برسد؛ سازگار
گردانیدن

تیره رایی بداندیشی، گمراهی

جیب گریبان، یقه

چاشنی بخش آنچه برای اثربخشی
بیشتر کلام به آن
اضافه می شود.

چنگ نوعی ساز که سر آن
خمیده است و تارها دارد.

حلاوت شیرینی

حمیت غیرت، جوانمردی،
مردانگی

دَغَل ناراست، حيله گر

دون همت کوتاه همت، دارای طبع
پست و کوتاه اندیشه

زَنَخدان چانه

شُغال جانور پستانداری
است از تیره سگان
که جزو رسته
گوشتخواران است.

شَل

دست و پای از کار
افتاده

شوریده رنگ

آشفته حال

غیب

پنهان، نهان از چشم؛
عالمی که خداوند،
فرشتگان و ... در آن
قرار دارند.

فروماندن

متحیر شدن

قُوت

رزق روزانه، خوراک،
غذا؛ این واژه با «قُوت»
= توانایی و نیرو «هم آوا»
نیست.

نژند

خوار و زبون

سایر واژگان

احسان

بخشش

ارغوان

درختی با برگ های گرد
و گل های سرخ

بارگه

مخفف بارگاه، خیمه
پادشاهی، سراپرده

بخشایش

عفو، درگذشتن

برکت

فراوانی، افزونی، وفور

پیلان

جمع پیل، فیل ها

تافتن

تابیدن

تدبیر

اندیشیدن، چاره جویی

تیمار

پرستاری، غمخواری؛
تیمار خوردن؛ اندوه
و غم خوردن، خود را
در رنج و غم انداختن
از بهر کسی

جانانه

معشوق، محبوب

درویش

فقر، بی نوا،
گوشه نشین

رای

اندیشه، فکر، عقیده

رزق

روزی

صنع

ساختن، آفرینش

ضایع

تباه

عار

نگ، عیب، رسوایی

فخر

افتخار، نازیدن

قرین

نزدیک، یار، همدم

گران

سنگین

محراب

عبادتگاه، بالای خانه،
صدر مجلس

مور

مورچه

نام و ننگ

آبرو، اعتبار

همت

اراده، خواست

یقین

ایمان قلبی، باور،
بی شک

سایر واژگان		واژه‌نامه کتاب درسی	
اهریمن، مقابل یزدان، ابلیس	آهرمن	بی‌گمان، بی‌تردید، به‌طور قطع	آوری
آویزان کردن	آویختن	در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها	اژدهاپیکر
شیطان	ابلیس	جمع اسطوره؛ افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم	اساطیر
با ارزش، معتبر	ارجمند	اصرار، پافشاری کردن	الحاح
جمع شدن، گرد آمدن	انجمن شدن	جای خرید و فروش، بازار؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.	بازارگاه
در، درون	اندرون	دستیاران حکومت، توجیه‌کنندگان حکومت	پایمردان دیو
کتاب مقدس زردشت	اوستا	روى پا، سینه پا	پشت پای
بخش، فصل	باب	کلاه خود	ترگ
اندیشمند، خردمند	بخرد	گشت‌وگذار، تماشا، سیر و گردش	تفتچ
ماه کامل	بدر	فرخنده، مبارک	خجسته
بالای	بر	آشپز	خوالیگر
ترسیدن، بیم داشتن	برانداشیدن	پرچم، بیرق	درفش
زره مخصوصی که هنگام جنگ می‌پوشیدند یا روی اسب می‌انداختند.	برگستوان	درفش ملی ایران در عهد ساسانی، (کاویان یا کاویانی؛ منسوب به کاوه)	درفش کاویان
نام گاوی که به فریدون شیر داد.	برمایه	خشمگین	دژم
جوان	برنا	ضربه پتک؛ درای، در اصل زنگ کاروان است.	زخم درای
انتهای، ته	بُن	سریع، شتابان	سَبک
برای	بهر		
خوشبختی، سعادت	بهروزی		
ظلم و ستم	بیداد		
ظالم و ستمگر	بیداد پیشه		
ترس	بیم		
پای مال کردن و زیر پا گذاشتن	سپردن		
فرمانده و سردار سپاه	سپهبد		
فرشته پیام‌آور، فرشته	سروش		
حساب پس دادن	شمار گرفتن		
فریاد، بانگ و خروش، غریو	غو		
دارای برتری، مسلط، چیره	فایق		
فریاد خواستن، طلب یاری کردن، دادخواهی کردن	فریاد خواندن		
گیزی که سر آن شبیه سرِ گاو بوده است.	گُرز گاوسر		
خدای جهان (گیهان؛ کیهان، جهان، گیتی)	گیهان خدیو		
سخنان بی پایه و اساس، دعوی باطل، ادعا؛ لاف	لاف		
زدن؛ خودستایی کردن، ادّعاى باطل کردن	مَجَرّد		
صرف، تنها	محضر		
استشهادنامه، متنی که ضحاک برای تبرئه خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.	موبد		
روحانی زردشتی، مجازاً دانشمند، دانا	نفیر		
صدای بلند، فریاد	هنر		
فضیلت، استعداد، شایستگی، لیاقت	یکایک		
ناگهان			

پاک‌دین	کسی که دین و آیین راست و درست دارد.	رکاب	حلقه‌ای که به دو طرف زمین اسب آویزند	کثیف	چرک‌آلود و ناپاک، غلیظ و فشرده
پویدن	به شتاب رفتن، دویدن	رویاریبی	مقابله	کِهتر	کوچک‌تر، زیردست
پیوند	خویشاوندی	زال	پیر، سپیدموی	گُرد	بهلوان، دلیر، شجاع
تجسّم	تصویر ذهنی	زبونی	خواری، ذلّت، ناتوانی	گردون	آسمان
تسکین	آرام کردن	سالار	فرمانده، سردار	گزند	آسیب، آزار
تعبیر	بیان کردن معنی خواب	سرنگون	واژگون، وارونه	گوا	گواه، شاهد
جفا	ستمگری	سوفار	دهانه‌تیر که چله‌کمان را در آن بند کنند.	گیتی	جهان، دنیا
جنبش	قیام، خیزش	سوگند	گوگرد؛ در گذشته برای تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم مقداری آب به همراه گوگرد به او می‌خوراندند و از تأثیر یا عدم تأثیر آن، گناهکار یا بی‌گناه بودن وی را تعیین می‌کردند.	لایق	ارزنده، شایسته
چالاک	تند و فرز	شگفت	تعجب و حیرت	مایه	باعث، علّت، اصل و اساس
چرمین	منسوب به چرم، آنچه از چرم سازند.	شوخ	چرک و کثیفی	مظهر	نماد، نشانه
چیرگی	غلبه، تسلّط	شهره	مشهور و نامدار	معزّب	عربی شده
خبیث	پلید، ناپاک، زشت	شهریار	پادشاه	مگر	امید است
خرد	کوچک، اندک	عزم	آهنگ، اراده	مَنش	خوی و طبیعت
خروشیدن	بانگ و فریاد زدن	علاج	درمان، چاره	مِهتر	بزرگ‌تر؛ مهترزاده؛ بزرگ‌زاده
خوار	بی‌ارزش، پست	فتراک	تسمه و دوالی که از پس و پیش زمین اسب آویزند.	میان	کمر
خورشگر	آشپز، طبّاخ	فتنه	آشوب، فساد، شر	نامدار	مشهور، معروف
خوی	عادت، خصلت، خلق	فراز کشیدن	به سوی خود کشیدن	نامور	سرشناس، مشهور
دادخواه	کسی که به او ظلم شده و تقاضای رسیدگی دارد، طالب عدل	فراخواندن	دعوت کردن	نبرد	جنگ
درگاه	آستان، پیشگاه	فرزانه	آگاه، خردمند	نویدبخش	بشارت‌دهنده
دریدن	پاره کردن	فرودست	زیردست، حقیر	نهانگاه	مخفیگاه
دستار	عمامه	کام	مراد، خواسته	وارونه	برعکس
دیوان	بارگاه، وزارت‌خانه			هلال	ماه نو؛ این واژه با «خلال» = روا، جایز» هم‌آوا نیست.
دیوزاد	زاده‌ی دیو، پلید			همداستان	همراه، هم‌صدا، هم‌رأی
راستان	افراد عادل و درستکار			هوا	طرفداری
				یزدان	پروردگار

ایستگاه سؤال

درس ۱ | لطف خدا / نیکی / همت

با توجه به بیت‌ها و عبارت‌های زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

حلاوت سنج معنی در بیان‌ها	به نام چاشنی بخش زبان‌ها	۸۷۶
بماند تا ابد در تیره‌رایبی	نژند آن دل که او خواهد نژندش	۸۷۷
که شیری برآمد، شغالی به چنگ	خرد را گر نبخشد روشنائی	۸۷۸
	فروماند در لطف و صنع خدای	۸۷۹
	در این بود درویش شوریده‌رنگ	۸۸۰
	زخندان فرو برد چندی به جیب	۸۸۱
	معیار دوستان دغل روز حاجت است	۸۸۲
	که روزی‌رسان قوت روزش بداد	۸۸۳
	مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.	۸۸۴

معادل درست هر توضیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

عالمی که خداوند، فرشتگان و... در آن قرار دارند. (قیامت / غیب)	۸۸۵
آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. (چاشنی بخش / حلاوت سنج)	۸۸۶
دارای طبع پست و کوتاه اندیشه. (دون همت / بداندیش)	۸۸۷
نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. (چنگ / جیب)	۸۸۸

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

در بیت زیر، یک برابر معنایی برای واژه «حیله‌گر» مشخص کنید.	۸۸۹
«برو شیر دژنده باش ای دغل	
مینداز خود را چو روباه شل»	
در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «آفرینش» بیابید.	۸۹۰
«یکی روبهی دید بی‌دست و پای	
فروماند در لطف و صنع خدای»	

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

با توجه به عبارت ها و بیت های زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.



۱۱۱۱ بدو گفت مهتر به روی دژم

۱۱۱۲ بریده دل از ترس گیهان خدیو

۱۱۱۳ هم آنگه یکایک ز درگاه شاه

۱۱۱۴ ضحاک بارها فریب ابلیس را می خورد.

۱۱۱۵ ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک دین بود، از پا درمی آورد.

۱۱۱۶ سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش های حیوانی به او می خوراند و خوی بد را در او می پرورد.

۱۱۱۷ یکی محضر اکنون بپاید نوشت

۱۱۱۸ هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۱۱۱۹ چو برخواند کاوه، همه محضرش

۱۱۲۰ از آن چرم، کاهنگران پشت پای

۱۱۲۱ بیامد به درگاه سالار نو

۱۱۲۲ سروش خجسته پیام آورد که او را مگش که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است.

۱۱۲۳ روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.

۱۱۲۴ استعداد مجرّد، جز حسرت روزگار نیست.

معنی درست واژه های مشخص شده را از کمانک روبه رو انتخاب کنید.



۱۱۲۵ تو شاهی و گر ازدها پیکری

بباید زدن داسـتان، آوری

۱۱۲۶ از آن چرم، کاهنگران پشت پای

پوشـند هنگام زخمـ درای

۱۱۲۷ همی رفت منزل به منزل چو باد

سری پرزکینه، دلی پر زداد

۱۱۲۸ خروشدید و برجست لـرزان ز جای

بدژید و بسـپرد محضر به پای

برای هر یک از توضیحات زیر، معادل معنایی مناسب بنویسید.



۱۱۲۹ افسانه ها و داستان های خدایان و پهلوانان ملل قدیم: (.....)

۱۱۳۰ متنی که ضحاک برای تبریّ خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود: (.....)

به پرسش های زیر پاسخ دهید.



۱۱۳۱ در کدام ابیات به معانی «طلب یاری کرد» و «دانا» اشاره شده است؟ واژه های معادل را مشخص کنید.

الف) چنین گفت موبد به شاه جهان

ب) همی برخواستید و فریاد خواند

ج) در بیت زیر، یک معادل معنایی برای «خودستایی کردن» بیابید.

«زور داری، چـون نـداری علـم کار

لـاف آن نـتـوان بـه آسـانی زدن»

د) در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «درفش» بیابید.

«جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش

آنک امام ما علم بگرفته بر دوش»

ه) در هر یک از عبارت های زیر، یک معادل معنایی مناسب برای واژگان «چیره، صدای بلند، تماشا» بیابید.

الف) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره ای درآمد و نبرد خواست.

ب) علم در همه بایی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

پ) بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی. خلق حیران شدند؛ از هر طرف، نفیر برآمد.

شهریور ۹۸ و ۲ بار تکرار

خرداد ۹۸

خرداد ۹۷ و شهریور ۹۰

خرداد ۹۲

(به طور قطع / احتمالاً)

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

(جراحت / ضربه)

(مرحله / کاروان)

(واگذار کرد / پایمال کرد)

املاي واژه قلمرو زباني

تمام دروس كتاب
به جز درس هاي آزاد

نمره



بارم در آزمون نهايي ۲ نمره

تنوع تيب سؤال ۴ گونه

منابع مطالعه

فهرست فصل به فصل روابط
واژگاني كتاب حاضر

نوع حفظي - کاربردي

محتوا املاي واژگان دشوار كتاب
درسي

۳ بارم املا در آزمون نهايي ۲ نمره است و سؤالات آن طبق الگوي سؤالات موجود در كتاب حاضر طراحي مي شود؛ بنابر اين اطمينان داشته باشيد كه با مطالعه دقيق فهرست روابط معنابي واژگان و واژگان هم آوا و متشابه در كتاب حاضر، مي توانيد به راحتی بarm اين بخش را كسب كنيد.

آورده شده تا با شناسايي و فراگرفتن اين دسته از واژگان خطاهاي املايي شما به حداقل برسد.

۲ از آنجا كه قابليت پوشش دهی روابط معنابي واژگان در هر درس امكان پذير نبود، اين مبحث به صورت فصلي ارائه شد؛ اما سؤالات آن به صورت درس به درس طراحي شده است. از اين رو مي توانيد با گونه هاي متنوع سؤالات هر درس آشنا شويد و براساس دانسته هاي تان خود را محك بنيزيد.

۱ املاي واژه از جمله مباحث چالشي و تقريباً دشوار درس فارسي است. به منظور تسهيل فرايند يادگيري اين مبحث براي شما دانش آموزان عزيز، فهرستي از واژگان هر فصل از كتاب درسي با تكيه بر روابط معنابي واژگان از جمله واژگان مترادف، متضاد، متناسب، هم خانواده و ... تهيه شده است تا با مطالعه آن بتوانيد املاي واژگان را به خاطر بسپاريد. افزون بر آن، واژگان هم آوا و متشابه به همراه معني آنها به طور مجزا در هر فصل

راهنماي
مطالعه



فصل ۱

درس ۱: لطف خدا / نیکی / همت

درس ۲: قاضی بُست / زاغ و کبک

ص ۱۹۴

سوالات

ص ۱۹۵

واژگان مترادف

محجوب و پنهان	سیر و بیزار	حلاوت و شیرینی
عارضه و بیماری	گران و سنگین	نژد و خوار
کراهیت و ناپسندی	حمیت و غیرت	تیره‌رایی و بداندیشی
مخنقه و گردن‌بند	قوت و نیرو	احسان و بخشش
تاس و کاسه	صید و شکار	قرین و نزدیک
زایل و برطرف	شراع و خیمه	تدبیر و رای
همایون و مبارک	مطرب و نوازنده	صنع و ساختن
گسیل و روانه	حشم و ندیم	شوریده و آشفته
دوات و جوهر	چاشتگاه و نزدیک‌ظهر	اتفاق و حادثه
نشاط و شادی	جامه و لباس	قوت و غذا
رقعت و نامه	بانگ و غریو	یقین و باور
خَیلتاش و سپاهی	هزاهز و جنبش	زنخدان و چانه
مثقال و ذره	رحمت و بخشش	غیب و پنهان
غزو و جنگ	سور و جشن	تیمار و غمخواری
بی‌شبهت و بی‌تردید	کوشک و سرا	جیب و گریبان
فراخ و آسوده	تباه و ضایع	صبر و شکیبایی
ضیعت و زمین‌کشاورزی	اضطراب و تشویش	محراب و عبادتگاه
صِلّت و انعام	اعیان و بزرگان	دغل و حيله‌گر
وزر و گناه	استقبال و پیشواز	سعی و کوشش
وبال و عذاب	خروش و هیاهو	معیار و مقیاس
طریق و راه	رعیت و مردم	قرض و وام
عرصه و میدان	صعب و دشوار	بی‌حد و بی‌اندازه
مخزن و گنجینه	صدقه و خیرات	عار و ننگ
عرضه‌ده و نشان‌گر	مثال و فرمان	ضایع و تباه
خطوات و قدم‌ها	مقرون و همراه	رزق و روزی
خلاصه و القصه	سرسام و هذیان	برکت و فراوانی
مرغزار و سبزه‌زار	درم و درهم	تافتن و تابیدن
قاعده و قانون	مستحق و نیازمند	شرط و پیمان
غرامت‌زده و پشیمان	توقیع و امضا	

قطره باران	غرقه و غریق	واژگان متضاد
گوهر یکدانه	مؤگد و تأکید	اقبال و ادبار
درخت ارغوان	مبشّر و بشارت	بیگانه و دوست
قاضی بُست	فارغ و فراغت	خام و سوخته
رود هیرمند	قانع و قناعت	شام و سحر
کرانه رود	کافی و کفایت	زَبر و زیر
شهر غزنین	زر و زَرین	پیشین و پسین
بونصر مشکان	متقارب و تقرّب	حلال و حرام
آغاجی خادم	فضل و فضیلت	واژگان متناسب
پرده‌های کتّان	واژگان جمع و مفرد	دیده و بیننده
پیراهن توی	ممالک و مملکت	رگ و استخوان و پوست
بوالقلاّی طبیب	احوال و حال	شغال و روباه
عزّوجلّ	اطّبا و طبیب	مور و پیل
بوالحسن بولانی	عادات و عادت	باز و عقاب
سنت مصطفی	نُکت و نکته	تضمّن و تناسب
شُبحان الله	سایر واژه‌ها و ترکیب‌های املایی	باغ و راغ و زاغ
امیر المؤمنین	تقلید نابجا و کورکورانه	ترازو و میزان
خواجه عمید	چاشنی بخش	واژگان هم‌خانواده
حق گزاردن	وضع عالم	فخر و افتخار
علی آئی حال	بی مغز و پوست	حاجت و محتاج
خُطام دنیا	بیفکن	متحیّر و حیرت
الله دُرگما	نام و ننگ	توفیق و موافق
رهروی کبک	دون همت	مَثَل و تمثیل
فیروزه‌فام		

واژگان هم‌آوا و متشابه

عقد پیوند	عقد گردن‌بند	خواست طلب کرد	خواست بلند شد	واژگان هم‌آوا
روزه امساک (پرهیز از خوردن و آشامیدن)	روضه باغ	قوت غذا، خوراک	قوّت توانایی و نیرو	غازی مجاهد
افکار جمع فکر	افگار مجروح، خسته	فراق جدایی	فراق جدایی	قضا تقدیر
				غزا جنگ
				صور شیپور
				سور جشن

فصل ۶

درس ۱۲: کاوه دادخواه / کاردانی
درس ۱۴: حمله حیدری / وطن

ص ۲۰۴
سؤالات
ص ۲۰۵

واژگان هم‌خانواده

طالب و طلب
حیران و حیرت
علم و عالم
اخلاص و خلوص
حبیب و محبوب

واژگان جمع و مفرد

اساطیر و اسطوره
ایام و یوم
افلاک و فلک

سایر واژه‌ها و ترکیب‌های املایی

منش خبیث
گیهان خدیو
ضرب‌گرز
اعلام آمادگی
فرصت‌گران‌بها
استعداد مجزّد
هژبر ژیان
علی‌بن ابی‌طالب
حسرت روزگار
خیبرگشا
نبرد خواستن
پایمردان دیو
زخم‌درای
یزدان‌پرست
خواست خدا
پیش‌بند چرمین
خوی‌اهریمنی
بن‌غار
درفش‌کاویان
دادخواه
ژنده‌فیل
جبرئیل
عمرو
گوا و گواه
برخروشید و بخواست
تپید و غلتید
شیراله

واژگان مترادف

بی‌نظیر و بی‌مانند
اتّحاد و وحدت
ضد و علیه
معزّب و عربی‌شده
ضحاک و اژی‌دهاک
مظهر و نشان
فساد و فتنه
خوالیگر و آشپز
دژم و خشمگین
فرزانة و حکیم
علاج و درمان
تسکین و التیام
عزم و قصد
حکایت و روایت
تعبیر و تفسیر
زبونی و خواری
ناگزیر و ناچار
نهانگاه و مخفیگاه
بهروزی و خوشبختی
چیرگی و غلبه
قیام و جنبش
محضر و استشهاده‌نامه
سپهبد و فرمانده
برخواندن و دعوت کردن
عَو و فریاد و غریو
مایه و باعث
تَرگ و کلاه‌خود
فتراک و تسمه
برگستوان و زره
سوفار و دهانۀ تیر
الحاح و اصرار
تفرّج و گردش
نفیر و فریاد
فایق و پیروز
لاف و ادعا
هوس و میل
هم‌رزم و رقیب

رخصت و اجازه
سهمگین و ترسناک
امتناع و خودداری
خاییدن و جویدن
عَلَم کردن و برافراشتن
لخت‌لخت و پاره‌پاره
غضنفر و شیر
ماهر و استاد
وصی و نماینده
خصم و دشمن
دریغ و افسوس
منّزه و پاکیزه
دغل و حيله‌گر
غزا و جنگ
خدو و آب‌دهان
کاهلی و کوتاهی
عفو و رحم
مأمور و گماشته
وطن و میهن
آغشته و آمیخته
گزند و آسیب

واژگان متضاد

عزّت و ذلّت
کهنتر و مهتر
صلح و جنگ
فرزانگان و دیوانگان
خوار و ارجمند
شیر حق و شیر هوا

واژگان متناسب

خورش و خورشگر
مغز و سر
موبدان و خردمندان
رزم و رزمگه
فریدون و آبتین و فرانک
رستم و زال
بدر و هلال
ضرب و حرب
نهنگ و یم

ایستگاه سؤال

درس ۱ | لطف خدا / نیکی / همت

در هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(هلاوت / حلاوت) سنج معنی در بیان‌ها

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

(غرضی / قرضی) به رسم تجربه از دوستان طلب

ز دیوار (محرابش / مهرابش) آمد به گوش

(میانداز / مینداز) خود را چو روباه شل

خرداد ۱۴۰۴ - خارج و شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی (حمیت / همیت) کشند، نه به قوت تن.

دون همت یا کوتاه همت، کسی است که دارای (طبع / تبع) پست و کوتاه اندیشه باشد.

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املايي بیابید و درست آن را بنویسید.

فروماند در لطف و سنع خدای

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

نه خود را بیافکن که دستم بگیر

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

گر نام و ننگ داری، از آن فخر آر دار

بهارت خوش که فکر دیگرانی

که بخشنده روزی فرستد ز غیب

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها

معیار دوستان دغل روز حاجت است

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

برو شیر دژنده باش ای دغل

یکی، روبهی دید بی‌دست و پای

که چون زنده‌گانی به سر می‌برد؟

بگیر ای جوان، دست درویش پیر

سورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب

فخری که از وسیلت دون همتی رسد

به گوش ارقوان آهسته گفتم؛

ذخدان فرو برد چندی به جیب

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

در بیت زیر، یک واژه «هم‌آوا» بیابید و مترادف آن را بنویسید.

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار»

«فخری که از وسیلت دون همتی رسد



۱۲۶۳

۱۲۶۴

۱۲۶۵

۱۲۶۶

۱۲۶۷

۱۲۶۸



۱۲۶۹

۱۲۷۰

۱۲۷۱

۱۲۷۲

۱۲۷۳

۱۲۷۴

۱۲۷۵



۱۲۷۶

۱۲۷۷

در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد نادرستی املاي وجود دارد؛ آن‌ها را بیابید و شکل درست هریک را بنویسید.
«صنع و آفرینش - فراهم و محیّا - جیب و یقه - حمیّت و مردانه‌گی - غیب و پنهان - اقبال و ادبار - قوت و قضا - خار و زیون - دغل و حيله‌گر - قرین و همراه»



۱۲۷۸

گزینه درست را انتخاب کنید.

در کدام بیت، غلط املاي دیده می‌شود؟

- (۱) کرده‌ام قالب تهی از اشتیاق عمرهاست
- (۲) از لطافت کوه‌ها را در هوا رقصان کند
- (۳) رزق‌ها آید به پای میهمان از خوان غیب

قامت چون شمع در محراب آغوشم گذار
وز هلاوت بحرها را چون شکر شیرین کند
میزبان ماست هرکس می‌شود مهمان ما

۱۲۷۹

در کدام بیت، غلط املاي وجود ندارد؟

- (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- (۲) بیش است عزم شیر به گاو بلند شاخ
- (۳) از آن بی‌همیّت بیاید گریخت
- (۴) حلاوتی که تو را در چه ذنخدان است

همه ادبارها اقبال گردد
بر خصم بی‌سلاح دلیری است آر مرد
که نامردی‌اش آب مردان بریخت
به گُنه آن نرسد، صدهزار فکر عمیق

۱۲۸۰

در میان گروه کلمه‌های زیر، چند غلط املاي مشهود است؟

«تضّمَن و تضاد، (رزق و روزی)، (غرض و وام)، (ننگ و عار)، (ضایع و تباه)، (حمیّت و غیرت)، (دغل و هیله‌گر)، (وضع عالم)، (لطف و صنع)، (شغال و روباه)، (تبع و سرشت)»

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

درس ۲ قاضی بُست / زاغ و کبک



در هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

بانگ و هزاهز و غریو (خواست / خواست). امیر برخاست.

اَمّا ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت. و (سوری / صوری) و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

و ما حقّ این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لختی (گذارده / گزارده) باشیم.

زاغی از آنجا که (فراغی / فراقی) گزید رخت خود از باغ به راغی کشید



در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املاي بیابید و درست آن را بنویسید.

و روز پنج‌شنبه، امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و صرصامی افتاد.

و بسیار شاخه‌ها نهاده و طاس‌های بزرگ پُر یخ بر زَبَر آن و امیر را یافتم آنجا بر زَبَر تخت نشسته.

گفت: در این دو سه روز، بار داده آید که علّت و تب تمامی ذایل شد.

نزدیک آغاجی بُردم و راه یافتم و آن نامه را بخواند و دوات خاست و توقیع کرد.

و روز دوشنبه [امیر مسعود] به کران رود هیرمند رفت با بازان و یوزان و هَشَم و ندیمان و مُطربان.

اَمّا چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وذر و وبال این، چه به کار آید؟

و آنچه دارم از اندک مایه حُطام دنیا هلال است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن روزۀ فیروزه فام



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

تعداد غلط‌های املاي هر مورد را بنویسید.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزاحز و غریو خواست. امیر برخاست.

ب) و اظطرابی و تشویشی بزرگ به پای شده و اعیان و وزیر به خدمت استقبال رفتند.

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

در هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

روزی یاران (الحاح / الهاج) کردند.

همین اشاره کافی است که پادشاه بدمنش به (جستجوی / جست‌وجوی) چنین نوزادی فرمان دهد.

ز هر کشوری مهتران را (بخاست / بخواست) که در پادشاهی کند پشت راست

بیامد به درگاه سالار نو بدیدندش آنجا و برخاست (قو / غو)

فریدون دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست (خُرد / خورد)».

سپس در لباس (خالگیری / خوالیگری) چالاک، خورش‌های حیوانی به او می‌خوراند.

بدر در میدان او (حلالی / هلالی) بودی و رستم به دستان او زالی.

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املايي بیابید و درست آن را بنویسید.

در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نذیر است.

در اوستا موجودی است «سه پوزه سه سر شش چشم»، دیوزاد و مایع آسیب آدمیان و فتنه و فساد.

به این ترتیب که هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزاده‌گان به دیوان او می‌برند.

اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بحر ماست؟

همان کاوه آن بر سر نیزه کرد همان‌گه ز بازار برخواست گرد

روزی یاران الهاج کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست.

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

در عبارت زیر، واژه‌ای بیابید که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد.

«کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.»

در گروه واژه‌های زیر، سه نادرستی املايي وجود دارد؛ آن‌ها را بیابید و درست هریک را بنویسید.

«درفش و بیرق - الحاح و اسرار - تفرّج و گشت‌وگذار - فایغ و مسلّط - خوالیگر و آشپز - منسوب به کاوه - توجیح‌کنندگان حکومت ضحاک - سپهبد و فرمانده - غو و غریو»

گزینه درست را انتخاب کنید.

در همه گزینه‌ها به جز گزینه واژه «هم‌آوا» دیده می‌شود.

۱) هنر خوار شد، جادویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

۲) اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟

۳) زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن

۴) همی رفت پیش اندرون مردگرد سپاهی بر او انجم شد، نه خُرد

در گروه واژه‌های زیر، املاي چند واژه نادرست است؟

«(مهتران و بزرگان)، (صوفار و دهانه تیر)، (حیات و زندگی)، (سخنان بی‌پایه و اثاث)، (معزّب و عربی شده)، (تبرئه و رفع اتهام)، (ضال و فرتوت)، (غو و هزاهز)، (مجزّد و صرف)، (فتراک و برگستوان)، (آهرمن و ابلیس)»

۱) چهار ۲) سه ۳) پنج ۴) دو

کدام بیت فاقد غلط املايي است؟

۱) من نمی‌کردم غزا از بحر آن تا ظفر بایم فرو گیرم جهان

۲) چنان آمد از هر دولشکر قریو کزان هول دیوانه شد مغز دیو

۳) غو پاسبان خواست چون زلزله همی شد چو آواز شیر یله

۴) غو پیشرو خاست اندر زمان که آمد به ره چار ببر دمان

معنی و مفهوم شعر و نثر قلمرو فکری

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۸ نمره

درک مطلب ۴ نمره

معنی و مفهوم نثر ۲ نمره

معنی و مفهوم شعر ۲ نمره

منابع مطالعه

تمامی نوشته‌ها و سروده‌های متن

درس‌ها و کارگاه‌های متن‌پژوهی
کتاب

نوع حفظی - مفهومی

محتوا بازگردانی شعر و نثر به

فارسی روان / درک مطلب

راهنمای
مطالعه

مصراع دوم بیت یا جمله پایانی
عبارت استنباط می‌گردند.

۴ در قلمرو فکری باید به تمام
مباحث کتاب اعم از «متن درس /
کارگاه متن‌پژوهی / گنج حکمت /
روان‌خوانی / شعرخوانی» توجه
داشته باشید؛ زیرا ممکن است از
تمام موارد فوق سؤال طراحی شود.

ادبی شما از کل بیت» است؛ حال
آنکه معنی کردن، بازگردانی بیت
به زبان امروزی و به‌کارگیری معنی
چند واژه مهم عبارت و در پایان
مرتب کردن آن است.

۳ پرسش‌های درک مطلب که
معمولاً از کارگاه‌های متن‌پژوهی
کتاب طراحی می‌شوند، گاهی از

۱ لازم است که به هنگام
بازگردانی (معنی کردن) به بarm هر
مورد توجه کنید. (۰/۲۵) نشانگر
اهمیت یک واژه در عبارت است،
(۰/۵) نمره دو واژه و (۰/۷۵) سه
واژه؛ سپس بیت یا عبارت را به
نثر روان بازگردانید.

۲ معنی با مفهوم متفاوت است.
مفهوم در حقیقت «درک و دریافت

نیکی

سوالات: ۳۱۵

درس ۱

یکی روباهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای

ترتیب ارکان یکی، روباهی بی دست و پای دید و در لطف و صنع خدای فروماند.

معنی روان شخصی روباهی بی دست و پا دید و با دیدن آن، از لطف و آفرینش خداوند شگفت زده و متحیر شد. ۵/۵

مفهوم سرگشتگی و حیرت از لطف و آفرینش خداوند

که چون زندگانی به سرمی برد؟ بدین دست و پای از کجای می خورد؟

ترتیب ارکان که [روباه] چون (چگونه) زندگانی [را] به سرمی برد؟ و با این دست و پای از کجا [روزی] می خورد؟

معنی روان که این روباه چگونه زندگی خود را سپری می کند؟ ۵/۲۵ و با این ناتوانی از کجا خوراک به دست می آورد؟ ۵/۲۵

در این بود درویش شوریده رنگ که شیری برآید، شغالی به چنگ

ترتیب ارکان درویش شوریده رنگ در این [فکر] بود که شیری شغالی به چنگ برآمد.

معنی روان درویش آشفته حال، در این اندیشه بود ۵/۲۵ که ناگهان، شیری با شغالی به چنگ پدیدار شد. ۵/۲۵

شغال گون بخت را شیر خورد باند آنچه روباه از آن سیر خورد

ترتیب ارکان شیر، شغال گون بخت را خورد، آنچه بماند روباه از آن سیر خورد.

معنی روان شیر، شغال بخت برگشته را خورد ۵/۲۵ و روباه از آنچه باقی ماند، سیر خورد. ۵/۲۵

مفهوم روزی رسانی خداوند به افراد ضعیف به واسطه افراد توانمند.

دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی رسان قوت روزش بداد

ترتیب ارکان روز دگر باز [همان] اتفاق افتاد، که روزی رسان، قوت روز او [را] داد.

معنی روان روز دیگر، دوباره همان اتفاق افتاد ۵/۲۵ و خدای روزی رسان، خوراک روزانه روباه را داد. ۵/۲۵

مفهوم رزاقیت خداوند / روزی رسانی پیوسته به موجودات

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و نکیه بر آفریننده کرد

ترتیب ارکان یقین، دیده مرد را بیننده کرد، [مرد درویش] شد (رفت) و بر آفریننده تکیه کرد.

معنی روان باور و ایمان قلبی به روزی رسانی خداوند مرد درویش را آگاه کرد (یقیناً آنچه که دیده بود، مرد را آگاه کرد) ۵/۵ ؛ بنابراین رفت و بر خداوند توکل کرد. (دست از کار و تلاش برداشت.) ۵/۵

مفهوم یقین پیدا کردن بر رزاقیت خداوند و توکل کردن به او

کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

ترتیب ارکان که از این پس [من] چو مور به کنجی می نشینم [زیرا] که پیلان به زور روزی نخوردند.

معنی روان [مرد درویش با خود گفت] که از این به بعد من نیز مانند مورچه در گوشه ای می نشینم ۵/۲۵ (تا خدا روزی مرا برساند) زیرا حتی فیل ها نیز با زور و قدرت، روزی به دست نمی آورند. ۵/۲۵

کاوه دادخواه
سؤالات: ص ۳۴۱

درس ۱۲

در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نظیر است

معنی روان در داستان‌های حماسی ایران و افسانه‌های کهن، شخصیت انقلابی کاوه آهنگر بی‌مانند است. ۵/۲۵

و پیش‌بند چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتحاد و جنبش فراخواند، درفش بود انقلابی که بر ضد پادشاه وقت، ضحاک، برافراشت. درفش که پشتیبان آن، دل دردمند و بازوی مردم رنج کشیده و بی‌پناه بود.

مفهوم ۱ دعوت به قیام همگانی ۲ اتحاد و همراهی مردم با کاوه علیه ظلم حاکم

تناسب معنایی بیویید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را به دل دشمن است

ضحاک، مُعَرَّب اژی‌دهاک (اژدها)، در داستان‌های ایرانی، مظهر خوی شیطانی است و زشتی و بدی؛

معنی روان ضحاک، عربی شده اژدها، در داستان‌های ایرانی نشانه خصلت شیطانی، زشتی و بدی است. ۵/۵

به روایت فردوسی، ضحاک بارها فریب ابلیس را می‌خورد؛ بدین معنی که ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک‌دین بود، از پا درمی‌آورد تا ضحاک به پادشاهی برسد.

معنی روان به گفته فردوسی، ضحاک چندین بار از شیطان فریب می‌خورد؛ ۵/۲۵ ابتدا شیطان با همراهی ضحاک، پدرش یعنی مرداس را که مردی خداپرست بود، می‌کشد تا ضحاک به قدرت برسد. ۵/۵

تناسب معنایی بی‌آورد وارونه ابلیس بند
به چاه اندر افتاد و بشکست پست
فرومایه ضحاک بیدادگر
به خون پدر گشت هم‌داس‌تان
یکی ژرف‌چاهی به ره بر، بکند
شد (= مُرد) آن نیک‌دل مرد یزدان‌پرست
بدین چاه بگرفت، جای پدر
ز دانا شنیدم من این داستان

سپس [ابلیس] در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌هایی حیوانی به او می‌خورد و خوی بد را در او می‌پُرورد؛

معنی روان سپس به شکل آشپزی ماهر، غذاهایی از گوشت حیوانات مختلف به او می‌خوراند ۵/۲۵ و اخلاق و منش پدر را در او (ضحاک) پرورش می‌دهد. ۵/۲۵

تناسب معنایی بدو گفت اگر شاه را درخورم
ز هر گوشت، از مرغ و از چارپای
به خویش بپرورد برسان شیر
یکی نامور پاک خوالیگرم
خورشگر بیاورد یکیک به جای
بدان تا کند پادشاه را دلیر

سپس بر اثر بوسه زدن ابلیس بر دوش ضحاک، دو مار از دو کتف او می‌روید و مایه رنج وی می‌شود.

مفهوم دو ماری که از دو کتف ضحاک روییده بود، نتیجه بوسه شیطان بر شانه‌های او بود.

تناسب معنایی یکی حاجت استم به نزدیک شاه
که فرمان دهد تا سر کتف او
دو مار سیه از دو کتفش برُست
و گرچه مرا نیست این پایگاه
ببوسم بر او بر نهم چشم و روی
غمی گشت از هر سویی چاره جست

بدانست خود کافریدون کجاست سراندر کشید و همی رفت راست

ترتیب ارکان	خود (کاوه) می دانست که فریدون کجاست. [کاوه] سراندر کشید و راست همی رفت.
معنی روان	کاوه، خود می دانست که فریدون در کجا مستقر است. ۰/۲۵ به همین دلیل به راه افتاد ۰/۲۵ و مستقیم به آنجا رفت. ۰/۲۵

بیامد به درگاه سالار نو بدیدنش آن جا و برخاست غو

ترتیب ارکان	[کاوه] به درگاه سالار نو بیامد. [مردم] او را آنجا دیدند و غو برخاست.
معنی روان	کاوه به همراه مردم به درگاه پادشاه جوان (فریدون) آمد ۰/۲۵ و همین که مردم او را (فریدون) در آنجا دیدند، فریاد شادی شان بلند شد. ۰/۲۵
مفهوم	شادمانی مردم به خاطر دیدن پادشاه جوان (فریدون)

فریدون چو گیتی بر آن گونه دید جهان پیش ضحاک وارونه دید

ترتیب ارکان	چو فریدون گیتی [را] بر آن گونه دید، جهان [را] پیش ضحاک وارونه دید (پنداشت).
معنی روان	وقتی فریدون قیام و اعتراض مردم را بدین شکل دید ۰/۲۵ دنیا را برای ضحاک تمام شده و واژگون پنداشت. ۰/۲۵
مفهوم	به قطعیت رسیدن در مورد سقوط و نابودی ضحاک

همی رفت منزل به منزل چو باد سری پر از کینه دلی پر ز داد

ترتیب ارکان	[فریدون با] سری پر از کینه و دلی پر از داد، چو باد منزل به منزل همی رفت.
معنی روان	فریدون با وجودی سرشار از نفرت و دشمنی ۰/۲۵ و دلی پر از دادگری و انصاف ۰/۲۵ به سرعت باد، مرحله به مرحله پیش می رفت. ۰/۲۵
	[زمینه قهرمانی حماسه]
مفهوم	قیام فریدون به منظور دادگری و انتقام جویی

به شهر اندرون هر که بُرنا بدند چه پیران که در جنگ، دانا بدند

ترتیب ارکان	هر که به شهر اندرون بُرنا بُدند و چه پیران که در جنگ دانا بُدند ...
معنی روان	همه مردم شهر، چه کسانی که جوان و نیرومند بودند ۰/۲۵ و چه پیران که در جنگ مهارت و تجربه داشتند ... ۰/۲۵
توجه	این بیت با بیت بعدی «موقوف المعانی» است.

سوی لشکر آفریدون شدند ز نزدیک ضحاک بیرون شدند

شاهنامه، فردوسی

ترتیب ارکان	سوی لشکر آفریدون شدند (رفتند) و از نزدیک ضحاک بیرون شدند (رفتند).
معنی روان	به سوی سپاه فریدون رفتند ۰/۲۵ و از ظلم و اسارت ضحاک نجات یافتند. ۰/۲۵
مفهوم	همگانی شدن قیام برای رهایی از ظلم

فریدون با لشکری از مردم شهر که به یاری اش آمده بودند، به رویارویی با ضحاک آمد و دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد».

معنی روان	فریدون با سپاهی از مردم که به کمک او آمده بودند، به جنگ با ضحاک آمد ۰/۲۵ و گرز گاو سر خود را برداشت ۰/۲۵ و آن چنان بر سر ضحاک کوبید که کلاه خودش شکست. ۰/۲۵
------------------	---

«سروش خجسته» پیام آورد که او را مگش که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است؛ او را با همین شکستگی به کوه دماوند ببر و همان جا در بند کن.

معنی روان فرشته پیام آور و فرخنده، پیام آورد ۵/۲۵ که او را نکش؛ زیرا هنوز زمان مرگ او فرا نرسیده است؛ او را با همین خواری و ذلت به کوه دماوند ببر ۵/۲۵ و در همان جا اسیر کن. ۵/۲۵

مفهوم توصیه به تقدیرگرایی و در بند کردن ستمگر

فریدون دو دست و میان ضحاک را به بندی بست، سپس او را به کوه دماوند و در غاری که «پنش ناپدید» بود، سرنگون آویخت.

معنی روان فریدون دست و کمر ضحاک را با ریسمانی بست. ۵/۲۵ سپس او را به کوه دماوند برد و در غاری که انتهای آن مشخص نبود، واژگون آویزان کرد. ۵/۵

مفهوم به بند کشیدن ضحاک و نابودی حکومت ظلم

تناسب معنایی ۱) ببرند ضحاک را بسته، خوار ۲) آن کس که ستم کرد در این شهر، ستم دید
به پشت هیونی (=شتر) برافکنده، زار
ایزد نپسندد ستم از هیچ ستمکار

بیت کارگاه متن پژوهی

تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تازان پس
به هر جانب که روی آری، درفش کاویان بینی

ترتیب ارکان تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا از آن پس، به هر جانب که روی بیاوری، درفش کاویان ببینی.

معنی روان تو برای مدتی کوتاه، مانند فریدون تلاش و مبارزه کن ۵/۵ تا از آن پس، به هر سو که توجه کنی، پیروزی و موفقیت نصیب تو شود. ۵/۲۵

مفهوم دعوت به تلاش و مبارزه برای رسیدن به پیروزی و رستگاری

گنج حکمت: کاردانی

کشتی گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.

معنی روان کشتی گیری بود که در زورآزمایی و مبارزه مشهور بود. ۵/۲۵ [به اندازه ای قدرتمند بود] که در میدان مبارزه، ماه شب چهارده در برابر او همچون هلال ۵/۲۵ و رستم در دست های او مانند پیری، ضعیف و ناتوان بود. ۵/۲۵

مفهوم توصیف اغراق آمیز قدرت و زورمندی کشتی گیر

با جوانان چو دست بگشادی
پای گردون پیر بر بستی

ترتیب ارکان چو با جوانان دست می گشاد، پای گردون پیر [را] برمی بست.

معنی روان آن کشتی گیر وقتی با جوانان زورآزمایی و مبارزه می کرد، ۵/۲۵ حتی روزگار پیر را نیز شکست می داد. ۵/۲۵

مفهوم توصیف اغراق آمیز قدرت و توانمندی کشتی گیر

روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛

معنی روان یک روز دوستان اصرار کردند ۵/۲۵ و مرا به گردش بردند. ۵/۲۵

قصه عینکم

سوالات: ص ۳۵۱

درس ۱۶

به قدری این **حادثه زنده است** که از میان تاریکی‌های حافظه‌ام روشن و پرفروغ **مثل روز می‌درخشد**.^۱ گویی دو ساعت پیش اتفاق افتاده،^۲ هنوز در خانه **اول حافظه‌ام باقی است**.^۳

معنی روان

۱ کنایه از به یاد داشتن حادثه (خاطره) / تازه به نظر رسیدن آن ۰/۲۵

۲ کنایه از روشن و آشکار بودن حادثه ۰/۲۵

۳ کنایه از اینکه هنوز آن را به خوبی و کاملاً به یاد دارم. ۰/۲۵

تا آن روزها که کلاس هشتم بودم، خیال می‌کردم عینک، مثل تعلیمی و کراوات یک چیز **فرنگی مآبی است** که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می‌گذارند. دایی جان میرزا غلام رضا که در **تجدد افراط داشت**،^۱ اولین مرد عینکی بود که دیده بودم. علاقه دایی جان در واکس کفش و کاردو چنگال و کارهای دیگر فرنگی مآبان **مراد فکر تقویت کرد**.^۲ **گفتم هست و نیست، عینک یک چیز متجددانه است** که برای قشنگی به چشم می‌گذارند.^۳

معنی روان

۱ چیزی است که به اروپایی‌ها (غربی‌ها) برمی‌گردد. (ریشه در آداب اروپاییان دارد). ۰/۲۵

۲ در نوگرایی زیاده‌روی می‌کرد. ۰/۲۵

۳ مرا مطمئن کرد ۰/۲۵ **گفتم: بدون شک، عینک یک چیز نوگرایانه است**. ۰/۲۵

مفهوم

تجددگرایی

تناسب معنایی عصر تمدن بی‌من و دور تجدد از فُکلی‌های لاله‌زار علی‌خان

این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم بزنیم. قد بنده به نسبت ستم همیشه دراز بود. ننه - خدا حفظش کند - هر وقت برای من و برادرم لباس می‌خرید، **ناله‌اش بلند بود**.^۱ **متلکی می‌گفت که دو برادری مثل علم یزید می‌مانید**.^۲ دراز دراز، **می‌خواهید بروید آسمان، شورا بیاورید**.^۳ در مقابل این قد دراز، **چشمم سو نداشت** و درست نمی‌دید. بی‌آنکه بدانم چشمم ضعیف و کم‌سوست، چون تابلو سیاه را نمی‌دیدم، بی‌اراده در همه کلاس‌ها به طرف نیمکت ردیف اول می‌رفتم.^۴

معنی روان

۱ کنایه از ناراحت و ناراضی بود. ۰/۲۵

۲ طعنه آمیز سخن می‌گفت. ۰/۲۵

۳ کنایه از دراز و بلندقد هستید. (ضرب المثل) ۰/۲۵

۴ کنایه از زیادی بلندقد و دراز هستید. (ضرب المثل) ۰/۲۵

۵ کنایه از خوب نمی‌دیدم. (کم‌بینا بودم). ۰/۲۵

در خانه هم غالباً پای سفره ناهار یا شام بلند می‌شدم، چشمم نمی‌دید؛ پایم به لیوان آب‌خوری یا بشقاب یا کوزه آب می‌خورد؛ یا آب می‌ریخت یا ظرف می‌شکست. آن وقت بی‌آنکه بدانند و بفهمند که من نیمه‌کورم و نمی‌بینم، خشمگین می‌شدند. **پدرم بد و بیراه می‌گفت**؛^۱ **مادرم شمتاتم می‌کرد**، می‌گفت: «به شتر افسار گسیخته می‌مانی؛ شلخته و هر دم بیل و هپل و هپو هستی؛^۲ جلو پایت را نگاه نمی‌کنی. شاید چاه جلویت بود و در آن بیفتی.» بدبختانه خودم هم نمی‌دانستم که نیم‌کورم، خیال می‌کردم همه مردم همین قدر می‌بینند!

معنی روان

۱ کنایه از ناسزا می‌گفت. ۰/۲۵

۲ مادرم، مرا سرزنش می‌کرد ۰/۲۵ می‌گفت: «غیرقابل کنترل هستی ۰/۲۵ بی‌نظم و بی‌دقت ۰/۲۵ و بی‌خیال و بی‌مسئولیت هستی. ۰/۲۵»

روان خوانی: دیدار

طلبة جوان، در آن سرمای کشنده^۱ که در تهران هیچ پیشینه نداشت، برف بلند را می‌کوبید و پیش می‌رفت یا برف کوبیده را بیش می‌کوبید؛ قباي خویش به خود پیچان، تنها، تنها.

معنی روان ۱ کنایه از سرمای شدید ۰/۲۵ در اینجا، نماد «خفقان و استبداد حاکم بر جامعه» است.

۲ کنایه از مسیر تازه‌ای برای مبارزه باز می‌کرد. ۰/۲۵

۳ کنایه از راه مبارزان پیشین را ادامه می‌داد. ۰/۲۵

مفهوم ۱ حاکمیت ظلم و خفقان ۲ پیمودن راه ناهموار و سخت مبارزه، به تنهایی و با شیوه‌ای نوین

طلّاب دیگر، چند چند با هم می‌رفتند و در این گروهی رفتن، گرمایی بود.^۱ تنگ هم، گفت و گوکنان اقا طلبة جوان ما - حاج آقا روح الله موسوی - به خویش بود و بس.

معنی روان ۱ در این اتحاد و همراهی، همدلی و صمیمیتی وجود داشت. ۰/۲۵

۲ کنایه از تنها بودن و استقلال رأی داشتن ۰/۲۵

مفهوم وجود صمیمیت و همدلی در بین طّلاب

حاج آقا روح الله از میدان مُخبرالدوله که گذشت، بخشی از شاه‌آباد را طی کرد؛ به کوچه مسجد پیچید، به در خانه حاج آقا مدرّس رسید و ایستاد. در، گشوده نبود اما کلون هم نبود. حاج آقا در را قدری فشار داد. در گشوده شد. طلبة جوان پا به درون آن حیاط محقر گذاشت و به خود گفت: «خوب است که نمی‌ترسد. خوب است که خانه‌اش محافظی ندارد و در خانه‌اش چفت و کلونی؛ اقا او را خواهند کشت. همین‌جا خواهند کشت. رضاخان او را خواهد کشت. انگلیسی‌ها او را خواهند کشت. چقدر آسان است که با یک تپانچه وارد این حیاط شوند، به جانب آن اتاق بروند و تیری به قلب مدرّس شلیک کنند. قلب یا مغز؟ خدایا، چرا هنوز، بعد از بیست و دو سال، بیست و دو سال ... ذهن من این مسئله را نگشوده است؟ به قلب پدر شلیک کردند یا به مغزش؟ چرا مادر می‌گفت: «قرآن جیبی‌اش به اندازه یک سگه سوراخ شده بود» و چرا سیدی می‌گفت: «صورت که نداشت، آقا! سر هم، نمی ...» آقا روح الله باز گیر افتاده بود؛ کدام یک مهم‌تر از دیگری است؟ حاج آقا مدرّس با کدام یک از این دو بیشتر کار می‌کند؟ قلب یا مغز؟ کدام را ترجیح می‌دهد؟

معنی روان ۱ کنایه از سردرگمی و دچار مشکل شدن ۰/۲۵

۲ «قلب» مجاز از «احساس و عاطفه» ۰/۲۵ «مغز» مجاز از «عقل و اندیشه» ۰/۲۵

«-آقایان محترم! علما! روحانیون حوزه‌ها! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید، با قلب‌هایتان با خدا. اینجا، حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چرتکه بیندازید؛ چرا که با چرتکه اندازه‌ان برد نهاد روبه‌رو هستید اما آنجا با قلب‌هایتان، با خلوصتان، با طهارتتان، تسلیم تسلیم با خدا روبه‌رو شوید. اینجا، به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیر شده باشید. اینجا، همه‌اش، در پرده بمانید؛ آنجا، در محضر خدا، پرده‌ها را بردارید ...»

معنی روان ۱ با عقل و اندیشه با حکومت پهلوی روبه‌رو شوید و با عشق و احساسات با خداوند. ۰/۲۵

۲ اینجا (در رویارویی با حکومت) عاقلانه و حساب‌شده رفتار کنید؛ ۰/۲۵ زیرا با حاکمان حسابگر و بدذات روبه‌رو هستید. ۰/۲۵

۳ اینجا به هیچ وجه تسلیم نشوید ۰/۲۵ [اما] آنجا، در برابر خداوند متواضع و فروتن باشید. ۰/۲۵

۴ اینجا، همواره پنهانی و با احتیاط رفتار کنید ۰/۲۵ [اما] آنجا در پیشگاه خداوند، خالصانه و صادقانه عمل کنید. ۰/۲۵

مفهوم ۱ توصیه به مبارزه آگاهانه و حساب‌شده با حکومت ظلم ۲ دعوت به تواضع و خلوص قلب در پیشگاه خداوند

ایستگاه سؤال

درس ۱ / لطف خدا / نیکی / همت

قلمرو فکری - معنی شعر و نثر

الف

معنی هر یک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴

که نیکی رساند به خلق خدای

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

خرداد ۱۴۰۳

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

همه ادب‌ها اقبال گردد
بماند تا ابد در تیره‌رای
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
مینداز خود را چو روباه شل
نه از تدبیر کار آید نه از رای

موری را دیدند که به زورمندی، کمر بسته و ملخی ده برابر خود برداشته.

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

کسی نیک بیند به هر دو سرای
یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
بگیر ای جوان، دست درویش پیر
زن‌خندان فرو برد چندی به جیب
نژند آن دل که او خواهد نژندش
گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
فروماند در لطف و صنع خدای
گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
اگر لطفش قرین حال گردد
خرد را گر نبخشد روشنائی
نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
شغال نگویند بخت را شیر خورد
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
برو شیر دژنده باش، ای دغل
وگر توفیق او یک‌سو نهد پای

۱۵۴۹

۱۵۵۰

۱۵۵۱

۱۵۵۲

۱۵۵۳

۱۵۵۴

۱۵۵۵

۱۵۵۶

۱۵۵۷

۱۵۵۸

۱۵۵۹

۱۵۶۰

۱۵۶۱

۱۵۶۲

۱۵۶۳

۱۵۶۴

۱۵۶۵

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

معنا و مفهوم موارد مشخص شده را بنویسید.

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

قطره باران ما گوهر یکدانه شد

نه خود را بیفکن که دستم بگیر

برو شیر دژنده باش، ای دغل

چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

کزین پس به کنجی نشینم چو مور

یکی روبهی دید بی دست و پای

در این بود درویش شوریده رنگ

شد و تکیه بر آفریننده کرد

به ترتیبی نهاده وضع عالم

وگر توفیق او یک سو نهد پای

خرد را گر نبخشد روشنائی

بخور تا توانی به بازوی خویش

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

مصرع دوم بیت زیر چه مفهومی دارد؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم

مفهوم مشترک بیت های زیر را بنویسید.

الف) چه در کار و چه در کار آزمودن

ب) بخور تا توانی به بازوی خویش

مفهوم کلی سروده زیر را بنویسید.

«سحر دیدم درخت ارغوانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم:

با توجه به بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دونه متانند بی مغز و پوست» به پرسش های زیر پاسخ دهید.

الف) مقصود شاعر از ترکیب «بی مغز و پوست» چیست؟

ب) سعدی، چه کسانی را «اهل بخشش و کرم» می داند؟

در بیت زیر، شاعر چه فخری را مایه ننگ و عار می داند؟

«فخری که از وسیلت دونه متی رسد

شاعر در بیت زیر، به چه نکته مهمی در آفرینش الهی اشاره دارد؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم

گزینه درست را انتخاب کنید.

بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» با کدام یک از گزینه های زیر تناسب معنایی دارد؟

۱) کمال گرایی عقل

۲) تقابل همیشگی عقل و عشق

۳) اظهار عجز از شناخت خدا

مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» با کدام یک از گزینه های زیر تناسب معنایی دارد؟

۱) قهر و غضب خداوند

۲) شجاعت خداوند

۳) نظام احسن آفرینش

۴) اعتقاد به معاد

که روزی نخوردند پیلان به زور

فروماند در لطف و صنوع خدای

که شیری برآمد، شغالی به چنگ

که نی یک موی باشد بیش و نی کم

نه از تدبیر کار آید نه از رای

بماند تا ابد در تیره رایی

که سعیت بود در ترازوی خویش

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

که نی یک موی باشد بیش و نی کم

نباید جز به خود محتاج بودن

که سعیت بود در ترازوی خویش

کشیده سر به بام خسته جانی

بهارت خوش که فکر دیگرانی

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

اگر ابیات زیر را بر اساس مفاهیم «قطعیت ظهور منجی - حاکمیت اراده خداوند - انکار حقیقت - روشنگری و امیدبخشی شهدا» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (الف) از آن‌ها که خورشید فریادشان
(ب) منکر آینه باشد چشم کور
(پ) ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
(ت) ای داور زمانه، ملوک زمانه را
- (۱) پ، ت، الف، ب (۲) الف، ب، ت، پ (۳) ب، پ، ت، الف (۴) پ، ت، ب، الف

کدام گزینه، با بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق» تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
(۲) تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویش‌تنم
(۳) از من مدار چشم خموشی که وقت گل
(۴) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است

مفهوم کدام گزینه با بیت «بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی / عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد» متناسب نیست؟

- (۱) به هجر و وصل، مرا تاب آرمدن نیست
(۲) آهی که عاشقانت از حلق جان برآرند
(۳) مستان ز قید شنبه و آدینه فارغ‌اند
(۴) صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

کدام بیت، با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

- «خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
(۱) به گناه عشق کشتیم و هنوز برنگشتیم
(۲) هر جا که حسن معشوق سرگرم جلوه گردد
(۳) عشق‌بازی کار بی‌کاران بود
(۴) از در و دیوار می‌بارد بلا در راه عشق

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

قلمرو فکری - معنی شعر و نثر

الف

معنی هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

بر او سالیان انجمن شد هزار

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

بدیدندش آنجا و برخاست غو

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

دی ۹۸

دل از بند ضحاک بیرون کند

خرداد ۹۶ و ۲ بار تکرار

که برگوی تا از که دیدی ستم؟

دی ۹۶ و ۹۰

بدان تا جهان ماند اندر شگفت

کشید ازدها را به تنگی فراز

نباشم بدین محضر اندر گوا

بر او انجمن گشت بازارگاه

چو ضحاک بر تخت شد شهریار

بیامد به درگاه سالار نو

کسی کاو هوای فریدون کند

بدو گفت مهتر به روی دژم

شماریت با من بیاید گرفت

۱۹۸۱	تو شاهای وگر ازدهاپیکری؟	بباید زدن داسـتان، آوری
۱۹۸۲	سوی لشکر آفریدون شدند	ز نزدیک ضحاک بیرون شدند
۱۹۸۳	زور داری چون نداری علم کار	لاف آن نتوان به آسانی زدن
۱۹۸۴	بدرید و بسپرد محضر به پای	
۱۹۸۵	نهان گشت کردار فرزنانگان	
۱۹۸۶	ز شاه آتش آید همی بر سرم	
۱۹۸۷	که بر بخردان این سخن روشن است	
۱۹۸۸	به خوبی بچستند پیوند اوی	
۱۹۸۹	همه سوی دوزخ نهادید روی	
۱۹۹۰	نه هرگز براندیشم از پادشا	
۱۹۹۱	سپاهی بر او انجمن شد نه خرد	
۱۹۹۲	جهان پیش ضحاک وارونه دید	
۱۹۹۳	بزد بر سرش، ترگ بشکست خرد	
۱۹۹۴	پزشکان فرزانه از عهده علاج بر نمی آیند.	
۱۹۹۵	هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزادگان به دیوان او می برند و جانشان را می گیرند.	
۱۹۹۶	روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرج بردند.	
۱۹۹۷	علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.	
۱۹۹۸	استعداد مجّزّد، جز حسرت روزگار نیست.	

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

در موارد زیر، معنی و مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید.

۱۹۹۹	روزگاری که کاوه و هزاران تن دیگر را ناگزیر به بهای جان خویش به نافرمانی و قیام برانگیخت.	
۲۰۰۰	ز هر کشوری مهتران را بخواست	که در پادشاهی کند پشت راست
۲۰۰۱	خروشید و زد دست بر سر ز شاه	
۲۰۰۲	خروشید و برجست لـرزان ز جای	
۲۰۰۳	سر اندر کشید و همی رفت راست	
۲۰۰۴	و در غاری که «بُـنش ناپدید» بود، سرنگون آویخت.	
۲۰۰۵	با جوانان چو دست بگشادی	پای گردون پیر بر بستی

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۲۰۰۶	با توجه به دو بیت زیر، جاهای خالی را کامل کنید. «خروشید کای پایمردان دیو همه سوی دوزخ نهادید روی کاوه معتقد است که پایمردان دیو از دل بریدند و به دل سپردند.	بریده دل از ترس گیهان خدیو سپردید دل ها به گفتار اوی
۲۰۰۷	با توجه به دو بیت زیر، جاهای خالی را کامل کنید. «چنان بُد که ضحاک را روز و شب ز هر کشوری مهتران را بخواست	به نام فریدون گشادی دو لب که در پادشاهی کند پشت راست»

خرداد ۹۸

شهریور ۹۸

دی ۹۵ و خرداد ۹۳

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

در موارد زیر، مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

طلاب جوان، در عرض پیاده‌رو در کنار هم، همه سر بر جانبِ حاج آقا روح‌الله گردانده، می‌رفتند - در سکوت - و نگین کرده بودند او را.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴ و خرداد ۹۲

آقایان محترم! علما! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید. اینجا به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید.

چه شده که این شاگرد شیطان، برخلاف همیشه ته کلاس نشسته است، نکند کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه باشد.

قوطی حلبی عینک را در جیب گذاشتم و سرخوش از دیدار دنیای جدید به مدرسه رفتم.

اینجا، حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چرتکه بیندازید؛ چرا که با چرتکه اندازان بدنهاد روبه‌رو هستید.

مدرس به طلاب هنوز ایستاده گفت: می‌بینم که در جا می‌جنبید اما جرئت ترک مجلس مرا ندارید ...

در عبارت‌های زیر، منظور از قسمت‌های مشخص شده چه کسانی هستند؟

... اما این غول بی‌شاخ و دم که معلوم نیست از کدام جهنمی ظهور کرده و چطور او را - از درباری سفارت آلمان - به اینجا رسانده‌اند.

شما در سنگر مشروطیت ایستاده‌اید اما یکی از رهبران ما، سال‌ها پیش، از مشروعتیت سخن گفته است و در اسلام، شرع مقدم بر شرط است.

امروز، سلطان درمانده قاجار، در آستانه سقوط نهایی، تازه متوجه شده است که خوب است سلطنت کند نه حکومت!

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

مفهوم عبارت «در مقابل این قذّ دراز، چشم سو نداشت.» چیست؟

مفهوم عبارت «آقای مدیر و آقای ناظم و آقای معلم عربی، کمسیون کردند.» چیست؟

مفهوم عبارت «آقا! کلام خام، بدتر از طعام خام است.» را بنویسید.

گوینده در عبارت «متلکی می‌گفت که دو برادری مثل عَلم یزید می‌مانید. دراز دراز، می‌خواهید بروید آسمان، شوربا بیاورید.» کدام ویژگی

ظاهری را مورد انتقاد قرار می‌دهد؟

با توجه به عبارت «این دو روحانی جوان هیچ شباهتی به هم نداشتند. آدمی زاد می‌توانست به نگاه آن یکی تکیه کند و می‌توانست نگاه

این یکی را در چله کمان بنشانند و به سوی دشمن پرتاب کند.» نویسنده چه تفاوتی در نگاه امام خمینی و برادرش می‌بیند؟

خرداد ۹۸ و ۲ بار تکرار

در عبارت «طلبه جوان، قدری به همه سو خمید و رفت تا باز برف‌های نکوبیده را بکوبد» مقصود از «برف‌های نکوبیده را بکوبد» چیست؟

خرداد ۹۷

مفهوم جمله «مدرس همیشه پاسخ را در آستین داشت» چیست؟

با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«مدرس، مدت‌ها بود که با این ضربه‌ها آشنایی داشت و با درد این ضربه‌ها و به همین دلیل، همیشه پاسخ را در آستینش داشت. طلبه

جوان قدری به همه سو خمید و رفت تا باز برف‌های نکوبیده را بکوبد.»

الف) مقصود نویسنده از «ضربه‌ها» چیست؟

ب) منظور از عبارت «قدری به همه سو خمید» چیست؟

در عبارت «می‌بایست که به حداقل پختگی می‌رسیدند، آقا! کلام خام بدتر از طعام خام است.» منظور از «کلام خام» سخن نسنجیده است.

خرداد ۹۵ درست نادرست

شهریور ۹۲ درست نادرست

خرداد ۹۴

جمله «من قُلا کردم» یعنی «شیطنت کردم».

مفهوم عبارت زیر را بنویسید.

«اینجا به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید.»

در عبارت زیر، منظور از «در لاتی کار شاهان را می‌کرد» چیست؟

«پدرم دریادل بود، در لاتی کار شاهان را می‌کرد.»

با توجه به متن «مادر می‌گفت: قرآن جیبی‌اش به اندازه یک سگه سوراخ شده بود و چرا سیدی می‌گفت: صورت که نداشت، آقا! سر هم،

دی ۹۲

نیمی ...» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) منظور از «آقا» کیست؟

ب) این عبارت اشاره به چه موضوعی دارد؟

تاریخ ادبیات قلمرو ادبی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



که در متن برخی درس‌ها به آن‌ها
اشاره شده است.

منابع مطالعه

نام آثار و صاحبان آن‌ها (شاعران
و نویسندگان) که در پایان هر
درس آورده شده است + آثاری

نوع حفظی

محتوا تاریخ ادبیات

تنوع تیپ سؤال ۶ گونه

بارم درآزمون نهایی ۱ نمره

انواع ادبی آثار نیز سؤال طرح
کنند.

۳ بارم تاریخ ادبیات در امتحان
نهایی یک نمره است و شما
می‌توانید با خواندن جدول تاریخ
ادبیات در کتاب حاضر به راحتی
این یک نمره را کسب کنید و
دغدغه‌ای درباره‌ی این مبحث
نداشته باشید.

این قسمت‌ها را هم مدنظر قرار
داده‌اند.

۲ توضیحانی که در کارگاه‌های
متن‌پژوهی درباره‌ی شاعر، نویسنده
یا یک جریان ادبی آورده شده
است نیز حائز اهمیت است و
باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته
باشید. دانستن نوع یا گونه‌های
ادبی آثار هم مهم است و ممکن
است طراحان محترم، با توجه
به سرفصل‌های کتاب درسی، از

۱ تاریخ ادبیات بخشی از قلمرو
ادبی است که در نظام آموزشی
جدید به نام آثار و پدیدآوردگان
آن‌ها محدود شده است. نام اثر
و صاحب اثر در پایان هر درس
آورده شده است؛ البته در مواردی
محدود نام یک اثر یا صاحب اثری
در خلال متن درس آمده است که
باید آن‌ها را نیز به حافظه بسپارید؛
زیرا تجربه‌ی امتحان نهایی نشان
داده است که طراحان محترم،

راهنمای
مطالعه

فهرست درس به درس آثار و شخصیت‌های ادبی فارسی (۲)

نام درس	نام اثر	پدیدآورنده	قالب اثر	گونه ادبی
۱	لطف خدا	فرهاد و شیرین	وحتشی بافقی	ادبیات غنایی
	نیکی	بوستان	سعدی	ادبیات تعلیمی
	همت	بهارستان	جامی	ادبیات تعلیمی
۲	قاضی بُست	تاریخ بیهقی	ابوالفضل بیهقی	ادبیات تعلیمی
	زاغ و کبک	تحفة الاحرار	جامی	ادبیات تعلیمی
۳	در امواج سند	شعر «در امواج سند»	مهدی حمیدی شیرازی	ادبیات پایداری
	چو سرو باش	گلستان	سعدی	ادبیات تعلیمی
۵	آغازگری تنها	عباس میرزا، آغازگری تنها	مجید واعظی	ادبیات پایداری
	تا غزل بعد	زندان موصل (خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط‌جزی)	کامور بخشایش	ادبیات پایداری
۶	پرورده عشق	لیلی و مجنون	نظامی گنج‌های	ادبیات غنایی
	مردان واقعی	تذکرة الاولیا	عطار	ادبیات غنایی (شرح حال)
۷	باران محبت	مرصاد العباد من المبدأ الی المَعاد	نجم‌الدین رازی (معروف به دایه)	ادبیات غنایی
	آفتاب حُسن	غزلیات شمس	جلال‌الدین محمد مولوی	ادبیات غنایی
۸	در کوی عاشقان	زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی	بدیع‌الزمان فروزانفر	ادبیات سفر و زندگی
	چنان باش ...	اسرار التوحید	محمد بن منور	ادبیات غنایی (شرح حال)
۹	ذوق لطیف	روزها	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	ادبیات سفر و زندگی
	میثاق دوستی	میثاق دوستی	لطفعلی صورتگر	ادبیات سفر و زندگی
۱۰	بانگ جَرس	شعر «بانگ جَرس»	حمید سبزواری	ادبیات انقلاب اسلامی
	به یاد ۲۲ بهمن	به یاد ۲۲ بهمن	سید ضیاء‌الدین شفیعی	ادبیات انقلاب اسلامی
۱۱	یاران عاشق	هم‌صدا با حلق اسماعیل	سید حسن حسینی	ادبیات انقلاب اسلامی
	صبح بی تو	شعر «صبح بی تو»	قیصر امین‌پور	ادبیات انقلاب اسلامی

ایستگاه سؤال

جای خالی (پرکردنی)

الف

در عبارت‌های زیر، جاهای خالی را به درستی پر کنید.

بیت «گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر از این کنم که هستم» برگرفته از منظومه داستانی «لیلی و مجنون» است؛ قالب شعری آن خرداد ۱۴۰۳ است.

کتاب «سه دیدار» که ویژگی‌های شخصیت امام خمینی (ره) را بیان می‌کند، نوشته است. شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

کتاب «روزها» اثر است. خرداد ۱۴۰۴ - خارج

بازل مشهدی در کتاب به توصیف رشادت‌های حضرت علی (ع) پرداخته است. غلامحسین یوسفی در کتاب به تحلیل داستان «کاوه دادخواه» پرداخته است. خرداد ۱۴۰۴

متن زیر، برگرفته از کتاب نوشته «ریچارد باخ»، ترجمه است. «آذرباد آهی کشید. افسوس، آن‌ها هنوز او را خوب درک نکرده بودند. با خود می‌اندیشید: وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می‌گویند یا خداست یا شیطان.»

شعر «در امواج سند» در قالب سروده شده است. این قالب شعری، بیشتر برای طرح مضامین و به کار می‌رود و رواج آن، از دوره بوده و تاکنون ادامه یافته است.

کتاب «پیامبر و دیوانه» اثر است.

بند زیر، بیانگر تأثیرپذیری «گوته» از است.

«هر نفسی را دو نعمت است: / دم فرو دادن و بر آمدنش؛ / آن یکی مُمدّ حیات است، این یکی مفرّج ذات»

بهترین یادگار ایّام همدمی مولانا با این یاران، به‌ویژه با حسام‌الدین، سرودن کتاب گران‌بهای است که یکی از عالی‌ترین آثار ادبی ایران و اسلام است.

از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا، و بودند.

حسام‌الدین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز سنایی یا «منطق‌الطیر» به نظم آرد.

شعر «زاغ و کبک» برگرفته از کتاب اثر جامی است.

با خواندن شعر «نیکی» برگرفته از کتاب به ضرب‌المثل «از تو حرکت، از خدا برکت» پی می‌بریم.

منظومه «فرهاد و شیرین» سروده است.

جامی، کتاب را به نثر (منثور) نوشته است.

۲۲۶۱	کتاب به قلم در بیان خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط‌جزی، نوشته شده است.
۲۲۶۲	کتاب سرودهٔ رابیندرانات تاگور است.
۲۲۶۳	کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی» نوشتهٔ است.
۲۲۶۴	داستان «کبوتر طوق‌دار» برگرفته از کتاب ترجمهٔ است.

انتخابی (درست - نادرست / کمانکی / وصل کردنی)

ب

پاسخ درست را مشخص کنید.

←

۲۲۶۵	در میان آثار زیر، نام پدیدآورندهٔ دو اثر در مقابل آن‌ها نادرست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید. شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳
۲۲۶۶	«فرهاد و شیرین: نظامی / شلوارهای وصله‌دار: رسول پرویزی / مرصادالعباد: نجم‌الدین رازی / غزلیات شمس: شمس تبریزی / جوامع الحکایات و لوامع الزوایات: محمد عوفی» کدام دو اثر از یک نویسنده یا یک شاعر است؟
۲۲۶۷	«سه دیدار / شلوارهای وصله‌دار / تذکرةالاولیا / هم‌صدا با حلق اسماعیل / تحفةالاحرار / روضهٔ خلد / بهارستان» از بین آثار زیر، به‌ترتیب ، یک اثر از «نادر ابراهیمی» و یک اثر از «گوته» بیابید.
۲۲۶۸	«ماه نو و مرغان آواره / حملهٔ حیدری / دیوان غربی - شرقی / روزها / سه دیدار» در بین آثار زیر، نام پدیدآورندهٔ دو اثر در مقابل آن‌ها درست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید.
۲۲۶۹	«غزلیات شمس: شمس تبریزی / تذکرةالاولیا: عطار / هم‌صدا با حلق اسماعیل: قیصر امین‌پور / عباس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی / بهارستان: سعدی» از بین آثار زیر، به‌ترتیب ، یک اثر از «وحشی بافقی» و یک اثر از «دکتر اسلامی ندوشن» بیابید.

درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

←

۲۲۷۰	مؤلف کتاب «کلیله و دمنه» نصرالله منشی و مؤلف کتاب «روزها» محمدعلی اسلامی ندوشن است.	درست	نادرست
۲۲۷۱	«بهارستان» از جامی و «اسرارالتوحید» از محمدبن منور است.	درست	نادرست
۲۲۷۲	«روضهٔ خلد» اثر مجد خوافی است.	درست	نادرست
۲۲۷۳	کتاب «کلیله و دمنه» را «ابوالمعالی نصرالله منشی» تألیف کرده است.	درست	نادرست
۲۲۷۴	درستی یا نادرستی موارد زیر را با توجه به آثار و مؤلف آن‌ها مشخص کنید.	درست	نادرست
۲۲۷۵	الف) غزلیات شمس: جلال‌الدین محمد مولوی ب) هم‌صدا با حلق اسماعیل: حمید سبزواری پ) زندان موصل (خاطرات اسیر آزاد شده، کامور بخشایش): اصغر رباط‌جزی لیلی و مجنون، اثری دیگر از صاحب کتاب «بهارستان» می‌باشد.	درست	نادرست
۲۲۷۶	هر سه شاعر (فریدون مشیری، ملک‌الشعرای بهار و فریدون توللی) چهارپاره‌سرا هستند.	درست	نادرست
۲۲۷۷	شمس تبریزی را به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو و پرواز در عالم معنا، «شمس پرنده» می‌گفتند.	درست	نادرست
۲۲۷۸	از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا، سعدی و فخرالدین عراقی بودند که ظاهراً هیچ‌یک با وی دیدار داشته‌اند.	درست	نادرست

حفظ شعر قلمرو ادبی

دروس ۲-۷-۱۱-۱۴

نمره



نوع حفظی
محتوا شعرخوانی

تنوع تیپ سؤال ۳ گونه
بارم در آزمون نهایی ۱ نمره

منابع مطالعه
شعرخوانی‌های کتاب درسی

راهنمای
مطالعه

۱ یکی دیگر از مباحث قلمرو ادبی «حفظ شعر» است و همان‌طور که از نامش پیداست، مقوله‌ای حفظی است. در کتاب درسی فارسی (۲)، چهار شعرخوانی

لحاظ شده است که باید آن‌ها را به طور کامل به حافظه بسپارید تا بتوانید به پرسش‌های این بخش پاسخ دهید.

۲ بarm حفظ شعر در امتحان نهایی یک نمره است و شما صرفاً با حفظ کردن اشعار و تکرار چندباره آن‌ها می‌توانید به راحتی بarm این بخش را کسب کنید.

زاغ و کبک

۱

شعر خوانی

- | | |
|-----------------------------|------------------------------|
| زاغی از آنجا که فراغی گزید | رخت خود از باغ به راغی کشید |
| دید یکی عرصه به دامان کوه | عرضه ده فخرن پنهان کوه |
| ناده کبکی به جمال تمام | شاهد آن روضه فیروزه فام |
| هم حرکاتش متناسب به هم | هم خطواتش مقتارب به هم |
| زاغ چو دید آن ره و رفتار را | و آن روش و جنبش هموار را |
| باز کشید از روش خویش پای | در پی او کرد به تقلید جای |
| بر قدم او قدمی می کشید | وز قلم او رقی می کشید |
| در پی اش القصه در آن مرغزار | رفت بر این قاعده روزی سه چار |
| عاقبت از خامی خود سوخته | رهروی کبک نیاموخته |
| کرد فرامش ره و رفتار خویش | ماند غرامت زده از کار خویش |

تحفة الاحرار، جامی



قسمت اول
پاسخ تشریحی
ایستگاه سوالات

قسمت دوم
پاسخ کارگاه‌های متن پژوهی
تمام دروس کتاب درسی

قسمت سوم
چهار نمونه
امتحان نهایی با پاسخ

بخش ۵

قسمت اول

پاسخ تشریحی ایستگاه سوالات

بخش اول

دستور زبان



- ۱۴ نادرست؛ فعل «است» در این بیت، فعل کمکی (مُعین) است.
فعل در مصراع اول ← گشاده‌ست (ماضی نقلی)
فعل در مصراع دوم ← داده‌ست (ماضی نقلی)
۱۵ درست؛ فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
نادرست؛ رابطه معنایی «جنگ و صلح» تضاد است.
۱۶ نادرست؛ رابطه معنایی «مهر و محبت» مترادف است.
۱۷ نادرست؛ رابطه معنایی «گل و خار» تضاد است.
۱۸ نادرست؛ رابطه معنایی «تار و عنکبوت» تناسب است.
۱۹ نادرست؛ رابطه معنایی «زندگی و حیات» مترادف است.
۲۰ گزینه «۲»؛ زیرا در این بیت، «چو» به معنی «وقتی‌که» به کار رفته و نشانه جمله وابسته و مرکب است.
۲۱ گزینه «۴»؛ در این گزینه «شد» در معنای «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
۲۲ گزینه «۳»؛ در این گزینه، فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
۲۳ گزینه «۳»؛ در این گزینه، «شد» در معنای «رفت» به کار رفته و بنابراین غیراسنادی است.
۲۴ گزینه «۲»؛ رابطه معنایی واژگان در سایر گزینه‌ها «تضمن» و در این گزینه «تضاد» است.
۲۵ گزینه «۳»؛ در این گزینه، «می‌گشت» در معنای «جست‌وجومی‌کرد» غیراسنادی است، در حالی که در سایر گزینه‌ها اسنادی است.
۲۶ گزینه «۲»؛ در این گزینه، رابطه معنایی واژه‌ها، دو به دو، «ترادف» است اما در سایر گزینه‌ها، «تضمن» است.
۲۷ گزینه «۲»؛ زیرا در این بیت، پیوند وابسته‌ساز وجود ندارد.
۲۸

- ۱ حرف «و» ← ... نشانه مردانگی است و اینکه او به عهدی ...
۲ حرف «یا» ← ... می‌گویند یا خداست یا شیطان.
۳ **توجه** حرف «یا» در این عبارت به شکل «مزدوج» به کار رفته است.
۴ حرف «اما» ← ... ازو خواست دستوری اما ندید
۵ حرف «هم» ← هم حرکاتش متناسب به هم [بود] / هم
خطواتش متقارب به هم [بود]
۶ حرف «اگر» در مصراع اول
۷ حرف «که» در مصراع اول ← چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
۸ حرف «چو» در مصراع اول (به معنی: وقتی‌که)
۹ حرف «تا» در مصراع دوم
۱۰ «هنگامی‌که» در مصراع اول
درست
۱۱ **الف** نادرست؛ «چو» در بیت اول حرف ربط و در بیت دوم حرف اضافه است.
ب درست؛ هر دو صفت هستند.
۱۲ درست؛ در این بیت فعل «شد» به قرینه معنایی محذوف است:
«زره لخت لخت [شد] و قبا چاک چاک [شد] / سر و روی مردان پر از گردوخاک [شد]»
توجه «و» در مصراع دوم، حرف «عطف» است.
۱۳ نادرست؛ در این بیت «چو» در معنی «مثل و مانند» به کار رفته و حرف اضافه است.

بخش دوم
آرایه‌های ادبی

گزینه «۱»: آفتاب حُسن	۵۵۲
گزینه «۲»	۵۵۳
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: تشبیه بازو به شاخه درخت	
گزینه «۳»: شاهد آرزو (اضافه تشبیهی)	
گزینه «۴»: تشبیه او (عمر) به کوه	
گزینه «۳»: در این گزینه، «رخ یار» (مشبّه) به «باغ و گلستان» (مشبّه‌به) و «لب یار» به «قند» تشبیه شده است. ← تشبیه پنهان (مُضمَر)	۵۵۴
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: وجه شبه: دُرّنده بودن و انداختن خود	
گزینه «۲»: وجه شبه: به کنجی نشستن	
گزینه «۴»: وجه شبه: رگ و استخوان و پوست ماندن	
گزینه «۲»: در این گزینه، «چنبر نفس» اضافه استعاره است. (نفس مانند ماری است که حلقه (چنبر) می‌زند).	۵۵۵
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: شراب عشق	
گزینه «۳»: قفل تیرگی	
گزینه «۴»: خورشید فریاد	
گزینه «۴»: یعنی «مشبّه»	۵۵۶
«جهان» مجاز از «مردم جهان»	۵۵۷
«بازار» مجاز از «اهل بازار»	۵۵۸
«اروپا» مجاز از «کشورهای اروپایی»	۵۵۹
«کلاس» مجاز از «دانش‌آموزان کلاس»	۵۶۰
«زین» مجاز از «اسب»	۵۶۱
«خاک» مجاز از «سرزمین»	۵۶۲
«چشمان» مجاز از «نظر و عقیده»	۵۶۳
«روز و شب» مجاز از «همیشه و همه وقت»	۵۶۴
«سر» مجاز از «انسان» / «مغر» مجاز از «فکر و اندیشه»	۵۶۵
الف) «باران تیر»: مشبّه: تیر / مشبّه‌به: باران	۵۶۶
ب) «دریای خون»: استعاره از «میدان نبرد»	
پ) «بولاد» مجاز از «شمشیر»	
الف) «سعدی» مجاز از «کلام سعدی، آثار سعدی»	۵۶۷
ب) «ذوق ادبی» (نسبت دادن «پرتوقع شدن» به «ذوق ادبی»)	
پ) وجه شبه: پایه استخوان‌بندی را نهادن / ادات تشبیه: به منزله	
«زبان» مجاز از «سخن»	۵۶۸
«بازو» مجاز از «کار و تلاش، قدرت و توانایی»	۵۶۹
«روز» مجاز از «زمان، هنگام»	۵۷۰
«شمشیر» مجاز از «جنگ»	۵۷۱
«خرگه» مجاز از «قدرت و شکوه»	۵۷۲
«سرها» مجاز از «جان‌ها، انسان‌ها»	۵۷۳
«این خاک» مجاز از «سرزمین ایران» / «افسرها» مجاز از «پادشاهان، دلاوران»	۵۷۴

بادپا ← مشبّه / کشتی ← مشبّه‌به	۵۲۸
آتش	۵۲۹
دانه ← مشبّه‌به / انسان ← مشبّه	۵۳۰
بار ← مشبّه‌به / خفت ← مشبّه	۵۳۱
مشبّه ← فرزند / مشبّه‌به ← ماه	۵۳۲
تشبیه (اضافه تشبیهی): شب‌نم عشق، سرنشت‌ر عشق	۵۳۳
مشبّه ← دل / مشبّه‌به ← کوشک	۵۳۴
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۳۵
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۳۶
سه تشبیه: ۱ خوش‌الحانی چو من ۱ گلشن رضوان ۳ مرغ آن چمنم	۵۳۷
مشبّه ← عشق / مشبّه‌به ← کشتی	۵۳۸
الف) با واژه «یم» (دریا)	۵۳۹
ب) دو تشبیه:	
۱ تشبیه فرات به رشحه (قطره) ۲ تشبیه تو به یم	
الف) دو تشبیه:	۵۴۰
۱ تشبیه کبک به شاهد ۲ تشبیه روضه به فیروزه	
ب) مشبّه ← روضه / ادات تشبیه ← پسوند «فام»	
بنای زندگی (اضافه تشبیهی) / مشبّه ← زندگی	۵۴۱
وجه شبه ← لرزان بودن / ادات تشبیه ← پسوند «گون»	۵۴۲
مشبّه ← امید / مشبّه‌به ← کورسو	۵۴۳
وجه شبه ← حلقه در گوش نهادن / شاعر از آرایه «کنایه» بهره برده است.	۵۴۴
مشبّه ← کلّ مصراع اوّل / مشبّه‌به ← کلّ مصراع دوم / ادات تشبیه ← چو	۵۴۵
در این بیت، ایستادن شقایق سرخ‌رنگ بر روی ساقه سبز رنگش به قرار گرفتن جام باده (شراب) بر شاخ سبز رنگ زمرد تشبیه شده است.	
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۴۶
ابر (گرم مانند ابری است).	۵۴۷
عدل (عدل مانند سفره‌ای است).	۵۴۸
شش تشبیه: ۱ صحرای عدم ۲ کشور آرزو ۳ چشمه نوازش‌ها ۴ چشمه امیدها (همگی اضافه تشبیهی) ۵ تشبیه آسمان به کشور سبز آرزوها ۶ تشبیه آسمان به چشمه مواج و زلال نوازش‌ها، امیدها	۵۴۹
پسوند شباهت «وار» در واژه «سدوار»	۵۵۰
دو تشبیه: ۱ اسب کوه‌پیکر (پیکر اسب به کوه تشبیه شده است). ۲ تشبیه عباس‌میرزا به معبد	۵۵۱

بخش سوم معنی واژه - املائی واژه



فرمان داد	۹۱۲
زمین زراعتی	۹۱۳
فرود سرای	۹۱۴
توقیع	۹۱۵
سرسام	۹۱۶
خیلتاش	۹۱۷
مرغزار	۹۱۸
قدم	۹۱۹
قدم	۹۲۰
الف پنهان	۹۲۱
ب باحیا	
پیش از صبح ← شبگیر / ناپسندی ← کراهیت / در کنار هم ← متقارب	۹۲۲
الف سور ← جشن	۹۲۳
ب خسته / مجروح ← افگار	
ب وبال ← گناه	
الف برطرف شد ← زایل شد	۹۲۴
ب روانه کرد ← گسیل کرد	
پ -	
ت دریافت کرد ← بستد	
دربایست ← ضرورت	۹۲۵
رقعت ← یادداشت	
عمید ← بزرگوار	
کافی ← کارآمد	
مقرون ← همراه	
آسودگی ← فراغ (زاغی از آنجا که فراغی گزید)	۹۲۶
پشیمان ← غرامت زده (مانند غرامت زده از کارخویش)	
ریزه خشک و علف گیاه ← حطام (آنچه دارم از اندک مایه...)	
دشوار ← صعب (و دیگر روز امیر نامه ها فرمود...)	
گزینه «۳»	۹۲۷
گزینه «۳»	۹۲۸
گزینه «۱»: در گزینه «۲»، معنی واژه «خیرخیر»، «سریع، آسان» است.	۹۲۹
گزینه «۱»: «پیش از صبح» معنی واژه «شبگیر» است.	۹۳۰
گزینه «۲»: واژه «محبوب» در گزینه «۱» در معنی «پنهان» به کار رفته است.	۹۳۱
گزینه «۲»: واژه «علت» در عبارت سؤال و بیت گزینه «۲» در معنی «بیماری» به کار رفته، اما در بیت گزینه «۱» به معنی «دلیل» است.	۹۳۲
گزینه «۱»: واژه «خداوند» در عبارت سؤال و بیت گزینه «۲» در معنی «صاحب» آمده، اما در گزینه «۱» مقصود «خداوند باری تعالی» است.	۹۳۳
گزینه «۱»	۹۳۴
● معنی درست واژه های نادرست:	
دوال ← چرم و پوست / کراهیت ← ناپسندی / ضیعتک ← زمین زراعتی کوچک	

شیرینی	۸۷۶
خوار و زبون، اندوهگین (ذکر یک معنی کافی است).	۸۷۷
بداندیشی، گمراهی	۸۷۸
متحیر شد	۸۷۹
آشفته حال	۸۸۰
چانه	۸۸۱
ناراست، حيله گر	۸۸۲
رزق روزانه، خوراک، غذا	۸۸۳
غیرت، جوانمردی، مردانگی	۸۸۴
غیب	۸۸۵
چاشنی بخش	۸۸۶
دون همت	۸۸۷
چنگ	۸۸۸
دغل	۸۸۹
صنع	۸۹۰
ادبار	۸۹۱
الف یقه: جیب	۸۹۲
ب چانه: زنخدان	
نزدیک: قرین / جوانمردی: حمیت / غم: تیمار / سنگین: گران	۸۹۳
گزینه «۳»: یعنی توفیق	۸۹۴
گزینه «۲»: گریبان = جیب	۸۹۵
گزینه «۱»: واژه «چنگ» در بیت سؤال و گزینه «۱» در معنی «نوعی ساز» به کار رفته اما در گزینه «۲» به معنی «دست» آمده است.	۸۹۶
گزینه «۲»: اقبال = ادبار	۸۹۷
گزینه «۲»	۸۹۸
گزینه «۲»: در این گزینه، واژه «گران» به معنی «ارزشمند» به کار رفته است.	۸۹۹
گزینه «۲»	۹۰۰
سریع، آسان	۹۰۱
دامنه سبز کوه، صحرا	۹۰۲
باغ، گلزار	۹۰۳
زیبارو، محبوب	۹۰۴
نزدیک به هم، در کنار هم	۹۰۵
مُهرشده، امضاشده	۹۰۶
آشوب	۹۰۷
سوار شد	۹۰۸
سایه بان، خیمه	۹۰۹
مجروح، خسته	۹۱۰
اجازه ملاقات (ورود) داده شود	۹۱۱

- ۱۵۴۳ الف خان ← خوان
ب حلال ← هلال
● بررسی غلطهای املائی در متن:
۱ بگزازی ← بگذاری
۲ رازی ← راضی
۱۵۴۵ الف صد ← هم‌آوای سد
ب بهر ← هم‌آوای بحر
● املائی درست گروه واژه‌های نادرست:
۱ الحاح و اصرار
۲ رغبت و خواست
گزینه «۲»
● بررسی غلطهای املائی در سایر گزینه‌ها:
۱ فرض ← فرز
۳ سخره ← صخره
۴ حلحله ← هلهله
گزینه «۴»
● بررسی غلطهای املائی در متن سؤال:
۱ عزمت ← عظمت
۲ آذرخش ← آذرخش

- ۱۵۲۰ ● املائی درست گروه واژه‌های نادرست:
۱ مسحور و مجذوب
۲ مشروعت و قانون‌گذاری
۳ قذّاره‌کشی با توّسل به زور
گزینه «۲»؛ در این گزینه، واژه «اصرار» به معنی «پافشاری کردن» با واژه «آسرار» هم‌آوا نیست؛ زیرا در تلفظ متفاوت‌اند.
● بررسی واژه‌های هم‌آوا در سایر گزینه‌ها:
۱ غَلَم ← هم‌آوای آلم (درد و رنج)
۳ عرض ← هم‌آوای ارض (زمین) یا ارز (پول خارجی)
۴ صفر ← هم‌آوای سفر
گزینه «۳»
بقور و بدقواره ← یغور و بدقواره
گزینه «۲»
● بررسی غلطهای املائی در متن سؤال:
۱ فرنگی‌مآبان
۲ می‌گذارند
۳ مُهملی
گزینه «۱»
● بررسی غلطهای املائی در متن سؤال:
۱ حوزه‌ها
۲ بیندازید
سیاس‌گذاری ← سیاس‌گذاری
حیا‌هوی ← هیا‌هوی
بی‌رقت ← بی‌رغبت
● بررسی املاهای نادرست:
۱ خدمت‌گزار (کسی که خدمت را انجام می‌دهد).
۲ حج‌گزار (کسی که حج را به جای می‌آورد).
۳ سیاست‌گذار (کسی که سیاست را وضع می‌کند).
۱۵۲۹ الف حیاط ← حیات
ب الهاح ← الحاح
خوان (سفره)
بگذار (اجازه بده)
راضی (فانع، خرسند)
۱۵۳۰ ۱۵۳۱ ۱۵۳۲ ۱۵۳۳ ۱۵۳۴ ۱۵۳۵ ۱۵۳۶ ۱۵۳۷ ۱۵۳۸ ۱۵۳۹ ۱۵۴۰ ۱۵۴۱ ۱۵۴۲
غلتیدن
هولم
عظم ← عزم
قرب ← عَرَب
بحر ← بهر
بگزار ← بگذاری
بحر ← بحر
حسار ← حصار
قضا ← غذا
نمی‌خاستند ← نمی‌خواستند

بخش چهارم معنی و مفهوم شعر و نثر - تاریخ ادبیات - حفظ شعر

- ۱۵۴۹ کسی در هر دو جهان رستگار می‌گردد که به مردم کمک کند.
۱۵۵۰ یقین و ایمان به خدا، دیده و چشم آن شخص (درویش) را بینا و آگاه نمود.
۱۵۵۱ ای جوان! به افراد تهی‌دست و سال‌خورده کمک کن.
۱۵۵۲ [آن درویش] مدّتی سر در گریبان فرو برد و گوشه‌نشین شد.
۱۵۵۳ آن انسانی، خوار و زبون است که خداوند او را خوار و زبون بخواند.
۱۵۵۴ انسانی بخشنده و جوانمرد است که عاقل و خردمند است.
۱۵۵۵ از لطف و آفرینش خداوند شگفت‌زده و متحیر شد.
۱۵۵۶ خدا را سپاس می‌گوییم که گریه‌شبانگاهی و سحرگاهی ماتباه نشد.
۱۵۵۷ اگر لطف و بخشش خداوند همراه کسی بشود، تمام بدبختی‌هایش به خوشبختی تبدیل می‌شود.
۱۵۵۸ اگر خداوند به عقل و خرد روشنایی و آگاهی نبخشد، تا پایان آفرینش در گمراهی باقی می‌ماند.
۱۵۵۹ نه غریبه‌ای غم او را خورد و نه آشنایی. (هیچ‌کس دلسوزش نبود) و آن‌قدر ضعیف و لاغر شد که همچون ساز چنگ، فقط رگ و استخوان و پوستی از او باقی ماند.
۱۵۶۰ شیر، شغال بخت‌برگشته را خورد و روباه از آنچه باقی ماند، سیر خورد.

۱۵۶۱	به گونه‌ای تلاش کن که همانند شیر، چیزی از خوراک تو برای دیگران باقی بماند. نباید مانند روباه به پس مانده غذای دیگران قانع باشی.
۱۵۶۲	ای انسان حيله‌گرا! برو و همانند شیر دژنده تلاش کن و خود را مانند روباهی شل بر زمین نینداز و اظهار عجز و ناتوانی مکن.
۱۵۶۳	و اگر موافقت و تأیید الهی با انسان همراه نشود، نه از تدبیر و چاره‌گری انسان و نه از عقل و اندیشه او کاری برمی‌آید!
۱۵۶۴	مورچه‌ای را دیدند که آماده قدرت‌نمایی شده و ملخی را که ده برابر خود وزن داشت، برداشته بود.
۱۵۶۵	مردان بزرگ بار را با قدرت اراده، همت والا و نیروی غیرت و مردانگی خود حمل می‌کنند، نه با قدرت جسمانی!
۱۵۶۶	عاشق و مدهوش شدن
۱۵۶۷	ارزشمند و بی‌نظیر بودن
۱۵۶۸	اظهار عجز و ناتوانی نکن
۱۵۶۹	شجاع و قوی بودن و عدم وابستگی به دیگران
۱۵۷۰	وابسته و متکی بودن به دیگران
۱۵۷۱	دست از تلاش کشیدن
۱۵۷۲	متحیر شدن
۱۵۷۳	آشفته‌حال
۱۵۷۴	توکل و اعتماد کردن به خداوند
۱۵۷۵	کامل بودن آفرینش (نظام احسن آفرینش)
۱۵۷۶	همراهی نکردن، کناره‌گیری از کار
۱۵۷۷	بداندیشی، گمراهی
۱۵۷۸	نتیجه سعی و تلاش تو به خودت بازمی‌گردد.
۱۵۷۹	نظام احسن آفرینش
۱۵۸۰	توصیه به سعی و تلاش و نفی وابستگی به دیگران
۱۵۸۱	ستایش افراد نیکوکار و تأکید بر نیکی کردن به دیگران
۱۵۸۲	الف بی‌خرد و نادان ب افراد خردمند و دانا
۱۵۸۳	افتخاری که از راه ناپسند یا به وسیله انسانی پست و فرومایه حاصل شود.
۱۵۸۴	آفرینش کامل و بی‌نقص خداوند (نظام احسن آفرینش)
۱۵۸۵	گزینه «۳»: اظهار عجز از شناخت خدا
۱۵۸۶	گزینه «۳»: نظام احسن آفرینش
۱۵۸۷	گزینه «۴»: مفهوم بیت گزینه «۴»: بی‌نتیجه بودن گوشه‌نشینی و توکل بدون تلاش
۱۵۸۸	گزینه «۳» یعنی «خردمندی»
۱۵۸۹	گزینه «۲»: مفهوم مشترک این بیت با بیت سؤال: نیکی کردن به خلق، لازمه رستگاری و نیک‌فرجامی است.
۱۵۹۰	گزینه «۲»: این بیت، دقیقاً نقطه مقابل مفهوم ضرب‌المثل سؤال است؛ زیرا در این بیت، شاعر سعی و تلاش را رها کرده است (دو دست سعی را بر پشت بستم) و همه چیز را به اتفاقات آینده سپرده است (تا چه پیش آید).
	مفهوم مشترک ضرب‌المثل سؤال و گزینه «۱»: دعوت به
۱۵۹۱	تلاش برای کسب رزق و روزی، مصداق آیه شریفه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»
۱۵۹۲	گزینه «۲»: مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: توصیه به سعی و تلاش و نفی وابستگی به دیگران
۱۵۹۳	مفهوم بیت گزینه «۱»: دست از تلاش کشیدن و روی آوردن به گوشه‌نشینی و عبادت و انتظار رزق و روزی از غیب
۱۵۹۴	گزینه «۱»: این بیت، دقیقاً نقطه مقابل بیت سؤال است؛ زیرا شاعر در این بیت، با توکل به خداوند، دست از تلاش کشیده و تصمیم به گوشه‌نشینی گرفته است.
۱۵۹۵	مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: دعوت به سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی
۱۵۹۶	گزینه «۱»: لزوم ترک دلبستگی به جهان جهت آرامش دل
۱۵۹۷	گزینه «۳»: برخورداری از جهان به اندازه سعی و تلاش خود
	گزینه «۴»: تسلیم بودن در برابر سرنوشت و ترک تلاش بیهوده
	گزینه «۳»: مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۳»: دعوت به تلاش و خودا تکایی / نفی وابستگی به دیگران
	گزینه «۱»: توصیه به عاقبت‌اندیشی و دستگیری از خلق
	گزینه «۲»: توصیه به آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی
	گزینه «۴»: دشمنی روزگار با اهل فضل / وارونگی ارزش‌ها
	گزینه «۴»: مفهوم مشترک آیه شریفه سؤال و سایر گزینه‌ها: عزت و ذلت به دست خداست.
	مفهوم گزینه «۴»: حرص و آزمندی موجب خواری و ذلت است.

۲۲۳۹	الف) اتکا به نفس (۴)	توجه) حواستون باشه که منظومه «فرهاد و شیرین» سروده «وحشی بافقی» رو با منظومه «خسرو و شیرین» نظامی اشتباه نگیرید!!
	ب) شما در گِل منگرید، در دل نگرید (۳)	تحفة الاحرار و بهارستان، هر دو از آثار «جامی» هستند.
	پ) آینده‌گری (۲)	۲۲۶۶
	ت) چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (۱)	۲۲۶۷
۲۲۴۰	الف) برگشتن نتیجه کار و تلاش به خود (۳)	۲۲۶۸
	ب) جلوه‌های گوناگون آفرینش (۱)	۱) تذکرة الاولیا: عطار
	پ) جنگ با اندیشه‌های پوسیده (۵)	۲) عباس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی
	ت) مجال وقیعت یافتن (۲)	۲۲۶۹
۲۲۴۱	گزینه «۲»	۲۲۷۰
۲۲۴۲	گزینه «۲»	فرهاد و شیرین: وحشی بافقی / روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
	مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه «۲»: شورانگیزی و	نادرست؛ نصرالله منشی مترجم این کتاب است نه مؤلف آن!
	اثرگذاری کلام حافظ بر عناصر طبیعت	۲۲۷۱
	مفهوم گزینه «۱»: ارزشمندی شعر و سخن حافظ	درست
۲۲۴۳	گزینه «۱»	۲۲۷۲
	مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه «۱»: اهمیت خودشناسی	درست
	و توجه به اصالت ذات	۲۲۷۳
	مفهوم گزینه «۲»: توصیه به حفظ حرمت بزرگان	نادرست؛ نصرالله منشی مترجم این کتاب است نه مؤلف آن!
۲۲۴۴	گزینه «۴»	۲۲۷۴
	مفهوم گزینه «۴»: واگذار کردن ناله و زاری به روز جزا	الف) درست
	مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: امیدواری به عفو	ب) نادرست؛ هم‌صدا با حلق اسماعیل ← سید حسن
	الهی در روز قیامت	حسینی
۲۲۴۵	مثنوی	پ) نادرست؛ زندان موصل (خاطرات اسیر آزادشده، اصغر
۲۲۴۶	نادر ابراهیمی	رباط جزی) ← کامور بخشایش
۲۲۴۷	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	نادرست؛ «لیلی و مجنون» از «نظامی گنج‌ای» اما «بهارستان»
۲۲۴۸	حمله حیدری	اثر «جامی» است.
۲۲۴۹	چشمه روشن	۲۲۷۵
۲۲۵۰	پرنده‌ای به نام آذرباد / سودابه پرتوی	درست
۲۲۵۱	چهارپاره (دوبیتی پیوسته) / اجتماعی و سیاسی / مشروطه	۲۲۷۶
۲۲۵۲	چیران خلیل چیران	درست
۲۲۵۳	گلستان سعدی	۲۲۷۷
۲۲۵۴	مثنوی	نادرست؛ ظاهراً هر دو نفر با وی دیدار و ملاقات داشته‌اند.
۲۲۵۵	سعدی و فخرالدین عراقی	درست
۲۲۵۶	الهی‌نامه / عطار	۲۲۷۸
۲۲۵۷	تحفة الاحرار	۲۲۷۹
۲۲۵۸	بوستان سعدی	نادرست؛ کتاب «چشمه روشن» اثر «غلامحسین یوسفی» است.
۲۲۵۹	وحشی بافقی	درست
۲۲۶۰	بهارستان	۲۲۸۰
۲۲۶۱	زندان موصل / کامور بخشایش	۲۲۸۱
۲۲۶۲	ماه نو و مرغان آواره	نادرست؛ «حمله حیدری» سروده باذل مشهدی است.
۲۲۶۳	بدیع الزمان فروزانفر	۲۲۸۲
۲۲۶۴	کلیله و دمنه / نصرالله منشی	نادرست؛ «پرنده‌ای به نام آذرباد» اثر ریچارد باخ و ترجمه
۲۲۶۵	۱) فرهاد و شیرین: وحشی بافقی	«سودابه پرتوی» است.
	۲) غزلیات شمس: مولوی	درست
		۲۲۸۳
		درست
		۲۲۸۴
		درست
		۲۲۸۵
		نادرست؛ «شلوارهای وصله‌دار» اثر «رسول پرویزی» است.
		۲۲۸۶
		نادرست؛ «جوامع الحکایات» نوشته «محمد عوفی» است.
		۲۲۸۷
		اسرار التوحید / محمد بن منور
		۲۲۸۸
		اول شخص
		۲۲۸۹
		سید حسن حسینی
		۲۲۹۰
		کامور بخشایش
		۲۲۹۱
		مثنوی
		۲۲۹۲
		منثور
		۲۲۹۳
		اسرارنامه
		۲۲۹۴
		دکتر اسلامی ندوشن
		۲۲۹۵
		قیصر امین‌پور
		۲۲۹۶
		غلامحسین یوسفی
		۲۲۹۷
		نادر ابراهیمی
		۲۲۹۸

قسمت دوم

کارگاه متن‌پژوهی تمام دروس کتاب درسی

درس ۱ نیکی

قلمرو زبانی

الف

۱ معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- معیار دوستان دغل روزِ حاجت است
- صورتِ بی‌صورتِ بی‌حَدِّ غیب
- فخری که از وسیلَتِ دوْهَمَتی رسد

- قرضی به رسمِ تجربه از دوستان طلب
- ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

صائب

مولوی

اوحدی

۲ برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

- پیوندهای هم‌پایه‌ساز:

۳ معنای فعل «شد» را در سرودهٔ زیر بررسی کنید.

- گریهٔ شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
- منزلی حافظ کنون بارگه پادشاست
- قطرهٔ بارانِ ما گوهَرِ یکدانه شد
- دلِ برِ دلدار رفت، جانِ برِ جانانه شد

حافظ

۴ معنای برخی واژه‌ها با قرار گرفتن آنها در جمله و یا با توجه به رابطه‌های معنایی قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص‌شده، دقیق‌تر می‌توان پی بُرد:

الف) قرارگرفتن واژه در جمله:

- ماه، طولانی بود.
- ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تَضَمُّن و تناسب)

- سیر و بیزار ← ترادف
- سیر و گرسنه ← تضاد
- سیر و پیاز ← تناسب
- سیر و گیاه ← تَضَمُّن

• اکنون برای دریافت معنای واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه‌های مناسب بنویسید.

خرداد ۱۴۰۳

- ۱ دَغَل: حيله گر، ناراست / جيب: گريبان، يَقه / دُون هَمَّتِي: پستي و فرومايگي، طبعِ پست داشتن، کوتاه هَمَّتِي، کوتاه اندیشه بودن
- ۲ پيوند هم پايه ساز ← شد و تکیه بر آفريننده کرد
- پيوندهای وابسته ساز ←
- کسی نیک بیند به هر دو سرای کسی نیک نیکی رساند به خلق خدای
- چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش
- بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
- ۳ شد (بیت اول) به معنی «گردید» (فعل اسنادی) / شد (بیت دوم) به معنی «رفت» (فعل غیر اسنادی)
- ۴ «دست»:
- الف قرار گرفتن در جمله: ۱- یک دست لباس ایرانی پوشیده بودم. ۲- دستم درد می کرد.
- ب باتوجه به رابطه های معنایی: ۱- دست و سرویس (ترادف) ۲- دست و پا (تناسب) ۳- دست و بدن (تضمن)
- «تند»:
- الف قرار گرفتن در جمله: ۱- او تند می نویسد. ۲- اخلاقی نسبتاً تند است.
- ب باتوجه به رابطه های معنایی: ۱- تند و سریع (ترادف) ۲- تند و کند (تضاد)
- ۳- تند و شور (تناسب) ۴- تند و مزه (تضمن)

دست

قلمرو ادبی

ب

سعدی

- ۱ از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.
- ۲ در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟
- با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
- ۳ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.
- ۴ در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

- ۱ بیت ۸: زنخدان به جیب فرو بردن ← کنایه از گوشه نشینی و تفکر
- بیت ۱۱ و ۱۴: خود را انداختن ← کنایه از اظهار عجز و ناتوانی
- بیت ۱۴: دست کسی را گرفتن ← کنایه از کمک کردن، یاری رساندن به کسی
- ۲ شاعر، با تکرار یک واژه در دو معنی متفاوت، «جناس همسان (تام)» ایجاد کرده است. واژه «چنگ» در ابتدای مصراع دوم به معنی «ساز چنگ» و در پایان مصراع دوم به معنی «پنجه دست» به کار رفته و جناس همسان (تام) پدید آورده است.
- ۳ «چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟» ← [تو: مشبه (محذوف) / چو: ادات تشبیه / روبه: مشبه به / به وامانده سیرشدن: وجه شبهه]
- ۴ شیر ← نماد افراد تلاشگر و متگی به خود (کسانی که به قدرت و توان خود تکیه می کنند).
- روباه ← نماد افراد وابسته و طفیلی (کسانی که خود را به ناتوانی می زنند و به دیگران تکیه می کنند).

دست

قلمرو فکری

پ

سعدی

فریدون مشیری

پروین اعتصامی

- ۱ معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.
- ۲ درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.
- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد
- ۳ برای مفهوم هر یک از سروده های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.
- رزق هر چند بی گمان برسد شرط عقل است جستن از درها
- سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی
- به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی
- چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن
- ۴ درباره ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

درس ۱۵ کبوتر طوق دار

قلمرو زبانی

الف

۱ درباره کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله‌های زیر توضیح دهید.

● گرازان به تگ ایستاد.

● صیاد در پی ایشان ایستاد.

۲ چهار واژه مهمّ املائی از متن درس بیابید و معادل معنایی آنها را بنویسید.

۳ در زبان معیار، حذف شناسه فعل ممکن نیست. در گذشته، گاه در یک جمله، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف می‌شد.

خرداد ۱۴۰۳ قتی

نمونه: شیران غُریدند و به اتفاق، آهو را از دام رها کنید.

در جمله بالا فعل «رها کنید» به جای «رها شدند» آمده‌است.

● حال از متن درس نمونه‌ای دیگر برای حذف شناسه بیابید و بنویسید.

۱ فعل «ایستاد» در جمله اول، به معنای «شروع کردن» و در جمله دوم، در معنی «رفتن / دویدن / اصرار به کاری داشتن» به کار رفته است.

۲ صواب: درست / معونت: یاری و کمک / ثقت: اطمینان / اهمال: سهل‌انگاری کردن

۳ کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سرخویش گرفت [ند]. ← حذف به قرینه لفظی

● کبوتران اضطرابی می‌کردند و هریک خود را می‌کوشید [ند]. ← حذف به قرینه لفظی

کبوتر

قلمرو ادبی

ب

۱ تشبیهات را در بیت‌های زیر بیابید و در هر مورد، «مشبّه» و «مشبّه‌به» را مشخص کنید.

درفشان لاله در وی، چون چراغی ولیک از دود او بر جانش داغی

شقایق بر یکی پای ایستاده چو بر شاخ زمرد، جام باد

۲ در عبارت زیر، «استعاره» را بیابید.

چون او را در بندِ بلا بسته دید، زهاپ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند.

۳ از متن درس، کنایه‌های مُعادلِ مفاهیم زیر را بیابید.

● انسان باتجربه (-----)

● ناامید شدن (-----)

۱ بیت اول ← لاله: مشبّه / چراغ: مشبّه‌به (درفشان: وجه شبه / چون: ادات تشبیه)

بیت دوم ← حالت قرار گرفتن شقایق سرخ بر ساقه سبز رنگ، به جام شرابی سرخ رنگ (باده‌ای) که بر روی پایه‌ای از زمرد سبز قرار داشته تشبیه شده است. [کُل مصراع اول: مشبّه / بر شاخ زمرد، جام باد: مشبّه‌به] (چو: ادات تشبیه)

۲ جوی‌ها ← استعاره از «اشک فراوان»

۳ ● انسان باتجربه ← «گرم و سرد روزگار دیده»

● ناامید شدن ← «دل برکنندن»

کبوتر

قسمت سوم

چهار نمونه امتحان نهایی با پاسخ

100 min

آزمون نوبت دوم
ساعت شروع: ۷:۳۰ صبح

خرداد ماه ۱۴۰۴

آزمون ۱

ردیف	سؤالات امتحانی	نمره
ردیف	نمره	نمره
۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «به رود سندی می‌غلتید برهم ز امواج گران، کوه از پی کوه»	۰/۲۵
۲	باتوجه به بیت «زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید»، کدام واژه در عبارت زیر، معادل معنایی واژه مشخص شده است؟ «شب پیشین برای شست و شوی صحرا و بوستان چابک دستی کرده، راه باغ را زفته و گونه گل‌های بنفشه را دُرافشان ساخته بود.»	۰/۲۵
۳	در ابیات زیر، دو واژه بیابید که معنای مشترک دارند. «دریادلان راه سرفردر پیش دارند» «وقت است تا برگ سرفر باره بندیم» «پا در رکاب راهوار خویش دارند» «دل بر عبور از سیّ خار و خاره بندیم»	۰/۲۵
۴	کدام گزینه، معادل معنایی واژه مشخص شده نیست؟ «جمله به طریق تعاون قوّتی کنید تا دام از جای بگیریم.» (۱) مظاهرت (۲) التفات (۳) معونت (۴) پشتیبانی	۰/۲۵
۵	در عبارت زیر، کدام کلمه ارزش املائی بیشتری دارد؟ «شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟»	۰/۲۵
۶	املاي درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) دوست نداشتیم از بچه‌ها فاصله بگیرند یا احساس (ترد / طرد) شدن کنند. ب) به حشرم بده نامه در دست راست ز (حولم / هولم) در آن روز بی‌باک کن	۰/۵

۷	تعداد غلط‌های املایی هرگزینه را بنویسید. الف) مصحور کار خود بودم: ابتدا توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم. بی‌توجهی من و اینکه با نگاه‌ها هیچ اضطرابی نشان ندادم، معلم را در ظن خود تقویت کرد. ب) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزاج و غریو خواست. امیربرخاست.	۰/۵
۸	در هرگزینه، املای یک واژه نادرست است؛ آن مورد را اصلاح کنید. الف) اوست که عادل مطلق است / و خان عدل خود را بر همگان گسترده / باشد که از میان اسمای صدگانه اش / او را به همین نام بستانییم، آمین! ب) بدر در میدان او حلالی بودی و رستم به دستان او زالی.	۰/۵
۹	در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید. «او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند»	۰/۲۵
۱۰	در عبارت زیر، ابتدا نقش تبعی را پیدا کنید و سپس نوع آن را بنویسید. «مادر فریدون، فرانک، پسر را به البرزکوه می‌برد و به مردی پاک‌دین می‌سپرد»	۰/۵
۱۱	نوع صفت بیانی موجود در هرگزینه را بنویسید. الف) بنابراین خاله‌ام با همه تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود. ب) از این سَدِ روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت	۰/۵
۱۲	معنای فعل «شد» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟ (۱) هنر خوار شد، جادویی ارجمند (۲) از شبنم عشق، خاک آدم گل شد (۳) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد (۴) چو آتش در سپاه دشمن افتاد نهان راستی، آشکارا گزند صد فتنه و شور در جهان حاصل شد شد و تکیه بر آفریننده کرد ز آتش هم کمی سوزنده تر شد	۰/۲۵
۱۳	با توجه به عبارت‌های زیر، موارد ذکر شده در داخل کمانک را پاسخ دهید. الف) پس از نماز، کس فرستاد و قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند و پیامدند، بونصر، پیغام امیر به قاضی رساند. (نوع وابسته پیشین مشخص شود). ب) برافراخت پس دست خیرگشا (نوع وابسته پسین مشخص شود).	۰/۵
۱۴	با توجه به شعر زیر، در کدام گزینه، زمان افعال، به ترتیب درست آمده است؟ «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی» (۱) مضارع التزامی - ماضی بعید - مضارع اخباری (۲) مضارع التزامی - ماضی نقلی - مضارع اخباری (۳) مضارع اخباری - ماضی نقلی - مضارع اخباری (۴) ماضی ساده - ماضی نقلی - ماضی استمراری	۰/۲۵
۱۵	در عبارت زیر، جمله مجهول را بیابید و آن را به جمله معلوم تبدیل کنید. «پیش از غیبت شمس، شاگردان به مولانا این گونه خبر دادند که شمس کشته شد ولی دلش بر درستی این خبر گواهی نمی‌داد»	۰/۵
۱۶	نقش دستوری موارد مشخص شده را بنویسید. الف) دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم ب) آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن.	۰/۵
۱۷	برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان، کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟ الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای بیوشند هنگام زخم درای ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد.	۰/۵
۱۸	با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید. «هلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما» الف) واژه مشخص شده، چه نقش دستوری دارد؟ ب) نوع «و» را مشخص کنید.	۰/۵

نمره	سؤالات امتحانی	ردیف
نمره	قلمرو زبانی	
۰/۲۵	در عبارت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید. و نیز در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ، موافقت اولی تر، و الا طاعنان مجال وقیعت یابند.	۱
۰/۲۵	در کدام یک از گزینه های زیر، واژه ای نادرست معنی شده است؟ (۱) متعصب: غیرتمند - شبگیر: پیش از صبح - رقعت: یادداشت (۲) شایق: مشتاق - رأفت: شفقت - عندلیب: هزارستان (۳) بذله گو: شوخی - رشحه: چگه - نفیر: فریاد (۴) دژم: خشمگین - پور: پسر - صواب: صلاح	۲
۰/۲۵	در کدام یک از ابیات زیر، مترادف واژه «هژبر» وجود ندارد؟ (۱) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد (۲) شجاع غضنفر، وصی نبی (۳) فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ برانگیخت آبش برافشانند گرد نهنگ یم قدرت حق، علی بود سهمگین جنگ شیرو پلنگ	۳
۰/۲۵	کدام گزینه، معادل معنایی واژه «پرچم» نیست؟ (۱) بیرق (۲) درفش (۳) علم (۴) رای	۴
۰/۵	در ابیات زیر، املاي واژه ای نادرست است، آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. الف) مرا اوج عزت در افلاک توسست ب) بر مصطفی بحر رخصت دوید به چشمان من کیمیا خاک توسست از او خواست دستوری اما ندید	۵
۰/۵	املاي درست واژه ها را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) من (عُلا / قُلا) کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بچه اش. ب) و ما حق این نعمت تندرستی که بازیافتیم، لختی (گذارده / گزارده) باشیم.	۶
۰/۵	در متن، نادرستی املايی را مشخص کرده و صحیح آن را بنویسید. سپیده فردای گنجه با نهیب و سفیر گلوله های توپ روس، باز شد و تفنگ داران، مشتاقانه و مصمم قدم برمی داشتند.	۷
۰/۵	برای جای خالی، مناسب ترین واژه را از نظر املايی انتخاب کنید. الف) همیشه گرفتار انتخاب بود. «در ماه مبارک رمضان یا در محرم و (سفر، صفر) آیا برای تبلیغ بروم؟» ب) مردان بار را به نیروی همت و بازوی (حمیت، همیت) کشند، نه به قوت تن.	۸
۰/۲۵	وابسته پیشین را در عبارت زیر مشخص کنید. آن را از میرزا سلیمان خریدم و به چشم گذاشتم و عینکی شدم.	۹
۰/۲۵	وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان، یکسان است؟ (۱) شوخ و سوگند (۲) سوفار و کثیف (۳) فتراک و رکاب (۴) خنده و سپر	۱۰

پاسخ آزمون ۱ خرداد ۱۴۰۴



- ب شمشیر ۵/۲۵ (به نوشتن هردو مورد باهم نمره تعلق می‌گیرد و نه یک مورد)
- تشخیص ۵/۲۵
- واج‌آرایی ۵/۲۵
- ذوق لطیف ۵/۲۵
- جناس ناهمسان ۵/۲۵ [شیر و سیر]
- خرق عادت (یا داستانی) ۵/۲۵
- الف استعاره ۵/۲۵ ب متناقض‌نما ۵/۲۵
- الف درست ۵/۲۵ ب نادرست ۵/۲۵ پ نادرست ۵/۲۵
- چشمه روشن ۵/۲۵
- گزینه ۲؛ عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد ۵/۲۵
- جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو امّا ۵/۲۵
- به چشمان من کیمیا خاک توست ۵/۲۵ (فقط به نوشتن مصراع به طور کامل، نمره تعلق می‌گیرد.)
- تحسین دلاوری‌ها و شجاعت‌ها توسط دشمن ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- یافتن تکامل، رشد و پیشرفت ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- گزینه ۳؛ اظهار عجز از شناخت خدا ۵/۲۵
- الف اتکا به نفس ۵/۲۵
- ب شما در گل منگرید، در دل نگرید ۵/۲۵
- پ آینده‌نگری ۵/۲۵
- ت چه باشی چو روبه به وامانده سیر ۵/۲۵
- قانع بودن، اهمیت دادن به حلال و حرام ۵/۲۵
- «بازگشت به اصل خویش» ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- خدا ۵/۲۵ - ضحاک ۵/۲۵
- چشمانم ضعیف بود. ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- برای چاره‌جویی ۵/۲۵ به گفت‌وگو پرداختند. ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- عاشقانه ۵/۲۵ به استقبال شهادت رفتن ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- اطاعت ۵/۲۵ از فرمان رهبر واجب است ۵/۲۵ (یا هر مفهوم مشابه)
- کسی در هر دو جهان رستگار می‌گردد ۵/۲۵ که به مردم کمک کند. ۵/۲۵
- من هیچ نیازمند (محتاج) در بُست نمی‌شناسم ۵/۲۵ که بتوانم طلا را به او بدهم. ۵/۲۵
- اگر از این شخص به ما آسیبی برسد ۵/۲۵ از این جایگاه خواهد بود. ۵/۲۵
- در وقت آسایش ۵/۲۵ همراهی بهتر است ۵/۲۵ وگرنه سرزنش‌کنندگان ۵/۲۵ فرصت بدگویی پیدا می‌کنند. ۵/۲۵

- ۱ سنگین - عظیم ۵/۲۵
- ۲ صحرا ۵/۲۵
- ۳ راهوار - باره ۵/۲۵ (به نوشتن هر دو واژه با هم، نمره تعلق می‌گیرد و نه یک واژه به تنهایی)
- ۴ گزینه ۲؛ التفات ۵/۲۵
- ۵ ازل ۵/۲۵
- ۶ الف طرد ۵/۲۵ ب هولم ۵/۲۵
- ۷ الف ۲ (مسحور - اضطراب) ۵/۲۵
- ۸ ب ۳ (خواست - هزاهز - خاست) ۵/۲۵
- ۹ الف خوان ۵/۲۵ ب هلالی ۵/۲۵
- ۱۰ تضمّن ۵/۲۵ [اختران و آسمان]
- ۱۱ فرانک ۵/۲۵ بدل ۵/۲۵
- ۱۲ الف درویشانه ← «نسبی» ۵/۲۵ ب روان ← فاعلی ۵/۲۵ (صرفاً به نوشتن «درویشانه» یا «روان» نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد.)
- ۱۳ گزینه ۳؛ ۵/۲۵
- ۱۴ الف شاخص ۵/۲۵ [قاضی (قاضی بوالحسن)]
- ۱۵ ب صفت بیانی، صفت فاعلی یا صفت ۵/۲۵ [خیبرگشا]
- ۱۶ گزینه ۲؛ ۵/۲۵
- ۱۷ شمس کشته شد. ۵/۲۵
- شمس را کشتند/ شمس را کشت. ۵/۲۵ (ذکر نهاد جمله، اجباری نیست) (چنانچه از ابتدا فقط صورت معلوم شده جمله مجهول نوشته شود، نمره کامل تعلق می‌گیرد.)
- ۱۸ الف مفعول ۵/۲۵ ب مضاف‌الیه ۵/۲۵ [ستدن آن]
- ۱۹ الف «وضعیت الف» یا «از فهرست واژگان حذف شده» یا «محذوف» یا «متروک» ۵/۲۵
- ۲۰ ب «وضعیت ب» یا «با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شود» یا «تحول معنایی» یا «تغییر معنایی» ۵/۲۵
- ۲۱ الف متمم ۵/۲۵ ب واو عطف ۵/۲۵
- ۲۲ بادپا ۵/۲۵
- الف سود و برخورداری‌ها، افراد مفید و بخشنده‌ای که تلاششان در معرض دید است. ۵/۲۵
- ب در سایه ایستادن ۵/۲۵
- ۲۱ مردم ۵/۲۵ [جهان]
- ۲۲ الف کمان‌گیر ۵/۲۵

- ت من کمین کردم (در پی فرصت بودم). ۰/۲۵
- ث نمی دانست که در کجا ساکن شود یا اقامت کند. ۰/۲۵
- ج از آنها که به شهادت رسیدند ۰/۲۵ و خطر را پذیرفتند. ۰/۲۵
- چ ای جوان به انسان ضعیف (ناتوان) ۰/۲۵ کمک کن. ۰/۲۵
- ح وقتی که لشکر، او را محاصره کرد ۰/۲۵ اسب را مانند کشتی در آب انداخت. ۰/۲۵
- خ خرامان (با ناز و تکبر) ۰/۲۵ شروع به دویدن کرد. ۰/۲۵
- د یعنی امام خمینی (مانند حضرت موسی) ۰/۲۵ قصد نابودی ۰/۲۵ دشمن (اسرائیلی ها) را کرد. ۰/۲۵

پاسخ آزمون ۴

اردیبهشت ۱۴۰۴ شبه نهایی

- ۱ بدگویی، سرزنش، عیب جویی ۰/۲۵
- ۲ گزینه «۳»؛ بذله گو ۰/۲۵ شوخ ۰/۲۵
- ۳ گزینه «۱»؛ غضنفر، هژبر ۰/۲۵ شیر ۰/۲۵
- ۴ گزینه «۴»؛ رای ۰/۲۵
- ۵ ب «بحر» ۰/۲۵، «بهر» ۰/۲۵
- ۶ الف فلا ۰/۲۵
- ب گزارده ۰/۲۵
- ۷ سفیر ۰/۲۵، صغیر ۰/۲۵
- ۸ الف صغر ۰/۲۵
- ب حمیت ۰/۲۵
- ۹ میرزا ۰/۲۵ (شاخص)
- ۱۰ گزینه «۱»؛ شوخ و سوگند ۰/۲۵
- ۱۱ قید ۰/۲۵
- ۱۲ الف داده آید ۰/۲۵
- ب تب ۰/۲۵ معطوف ۰/۲۵
- الف گرفتار ۰/۲۵
- ۱۳ ب ستودنی ۰/۲۵
- الف مفعول ۰/۲۵
- ب متمم ۰/۲۵
- الف نادرست ۰/۲۵
- ب درست ۰/۲۵
- ۱۶ الف رفت یا فعل «غیراسنادی» ۰/۲۵
- ب «فعل اسنادی» ۰/۲۵
- الف گر ۰/۲۵
- ۱۷ ب متمم ۰/۲۵

- ۲۵ الف اسرارالتوحید ← محمد بن منور ۰/۲۵
- ب شلوارهای وصله دار ← رسول پرویزی ۰/۲۵
- ۲۶ جبران خلیل جبران ۰/۲۵
- ۲۷ الف رفت بر این قاعده روزی سه چار ۰/۲۵
- ب گزینه «۲» عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد ۰/۲۵
- پ ۱. رود ذره ای گر ز خاکت به باد به خون من آن ذره آغشته باد ۰/۲۵ [با توجه به جابه جایی واژه در هر دو مصراع، چنانچه هر کدام از مصراع ها را درست بنویسید، نمره تعلق می گیرد].
۲. دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست ۰/۲۵
- ۲۸ الف قانع بودن ۰/۲۵
- ب مسئولیت پذیری ۰/۲۵
- پ وفاداری ۰/۲۵
- ۲۹ دریای خون ← «میدان جنگ» ۰/۲۵
- ۳۰ با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن (یا هر پاسخ مشابه دیگر) ۰/۲۵
- ۳۱ دل ۰/۲۵
- ۳۲ از بین رفتن ارزش ها (روح ضد ارزش ها و ناهنجاری ها در جامعه / بی ارزش شدن فضایل اخلاقی) ۰/۲۵
- [ذکر یک مورد کافی است، برای این سؤال به هر پاسخ مشابه دیگر، نمره تعلق می گیرد].
- ۳۳ شیر اله ← حضرت علی (ع) ۰/۲۵
- ازدها ← عمرو (عمرو بن عبدود) ۰/۲۵
- ۳۴ مفهوم مشترک ← «وجود موانع و مشکلات» ۰/۲۵
- ۳۵ درازی قد (یا هر معنی یا مفهوم مشابه دیگر) ۰/۲۵
- ۳۶ الف سخت بودن تغییر عادت ها یا ترس از تغییر عادت ها ۰/۲۵
- ب بازگشت همه به عالم بالا است. ۰/۲۵
- پ تأکید بر شکرگزاری در هر شرایطی ۰/۲۵
- [برای این سؤال به هر پاسخ مشابه دیگر، نمره تعلق می گیرد].
- ۳۷ الف اعتقاد به خواست و مشیت الهی ۰/۲۵
- ب فروتنی، شرط رسیدن به بزرگی است. ۰/۲۵
- (به نوشتن خود کلمه «فروتنی» نیز نمره تعلق می گیرد.)
- [برای این سؤال به هر پاسخ مشابه دیگر، نمره تعلق می گیرد].
- ۳۸ الف با شادی شروع به نوشتن کرد. ۰/۲۵
- ب عشق با شتاب می آمد. ۰/۲۵
- پ آن یکی، یاری کننده (مددکننده) زندگی است. یا (آن یکی یاری کننده حیات است.) [با اشاره به معنی «ممد» به تنهایی نمره تعلق می گیرد]. ۰/۲۵